

فهرست

بخش اول (عروض و قافیه)

- درس دوم: پایه‌های آوایی ناهمسان ۸
- درس پنجم: اختیارات شاعری (۱): زبانی ۲۷
- درس هشتم: اختیارات شاعری (۲): وزنی ۴۳
- درس یازدهم: وزن در شعر نیمایی / نام‌گذاری وزن‌ها ۵۶

بخش دوم (آرایه‌های ادبی)

- درس سوم: مراعات‌نظیر، تلمیح و تضمین ۷۴
- درس ششم: لَف و نشر، تضاد و متناقض‌نما ۸۳
- درس نهم: افراق، ایهام و ایهام تناسب ۹۳
- درس دوازدهم: حش‌آمیزی، حَسَن تعلیل و اسلوب معادله ۱۰۱

بخش سوم (تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی)

- درس یکم: تاریخ ادبیات قرن‌های دوازدهم و سیزدهم (دوره بازگشت و بیداری) ۱۱۳
- درس چهارم: سبک‌شناسی قرن‌های دوازدهم و سیزدهم (دوره بازگشت و بیداری) ۱۲۳
- درس هفتم: تاریخ ادبیات قرن چهاردهم (دوره معاصر و انقلاب اسلامی) ۱۳۰
- درس دهم: سبک‌شناسی دوره معاصر و انقلاب اسلامی ۱۴۳

بخش چهارم (قرابت و ارتباط معنایی)

- قرابت و ارتباط معنایی ۱۵۳

پاسخ‌نامه

- پاسخ‌نامه تشریحی ۱۶۰
- پاسخ‌نامه کلیدی ۲۰۲



پایه‌های آوایی ناهمسان

یادآوری

- پایه‌های آوایی به طور کلی ۲ دسته‌اند: شامل: ۱) پایه‌های آوایی همسان ۲) پایه‌های آوایی ناهمسان.
- پایه‌های آوایی همسان، خود ۲ دسته‌اند: به این صورت:
 - پایه‌های آوایی همسان تک‌پایه‌ای (تکراری) که: هجاهایشان به صورت منظم و در قالب دسته‌های ۴ هجایی، ۳ هجایی و ... عیناً تکرار می‌شود و از تکرار منظم و یکنواختشان، «اوزان همسان تک‌پایه‌ای (تکراری)» ساخته می‌شوند؛ مانند:
 - فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن (_ U _ / _ U _ / _ U _ / _ U _)
 - مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (_ _ U / _ _ U / _ _ U / _ _ U)
 - مستفعلن مستفعلن مستفعلن (_ U _ _ / _ U _ _ / _ U _ _)
 - فعولن فعولن فعولن (_ _ U / _ _ U / _ _ U)
 - فعلاتن فعلاتن فعلاتن (_ UU / _ UU / _ UU)
 - مفتعلن مفتعلن مفتعلن (_ UU _ / _ UU _ / _ UU _)

البته گاهی وقتاً توی اوزان همسان تک‌پایه‌ای (تکراری)، یک یا دو یا سه هجا از رکن پایانی حذف می‌شود و وزن برپایه ایفا می‌شود؛ مثل این وزن‌ها:

_ U _ / _ U _ / _ U _ / _ U _ **با حذف آخرین هجا از رکن پایانی** (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن)

_ _ U / _ _ U / _ _ U **با حذف آخرین هجا از رکن پایانی** (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن) = (فعولن)

- پایه‌های آوایی همسان دولته‌ای (دوری یا متناوب) که: در آن‌ها، یک رکن یا پایه همسان، عیناً تکرار نمی‌شود؛ بلکه، دو پایه یا رکن عروضی مختلف، به صورت متناوب (یکی در میان و نوبتی) در مصراع‌ها تکرار می‌شود و از کنار هم قرارگرفتن آن‌ها «اوزان همسان دولته‌ای (دوری)» ساخته می‌شود؛ مانند:

۱- مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن (_ _ U / _ U _ / _ U _ / _ U _) = «مستفعلن فعولن مستفعلن فعولن»: _ U _ / _ U _ / _ U _ / _ U _

۲- مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن (_ _ U / _ U _ / _ U _ / _ U _) = «مستفعل مفعولن مستفعل مفعولن»: _ U _ / _ U _ / _ U _ / _ U _

۳- مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن (_ U _ / _ U _ / _ U _ / _ U _)

۴- مفتعلن مفاعیلن مفتعلن مفاعیلن (_ U _ / _ U _ / _ U _ / _ U _)

حالا توی این درس، نوبت «پایه‌های آوایی ناهمسان» و همین‌طور وزن‌هایی که از این پایه‌ها ساخته می‌شوند و به اسم «اوزان ناهمسان» می‌شناسیمشون.

پایه‌های آوایی ناهمسان

- آن دسته از پایه‌هایی آوایی است که براساس هماهنگی و نظم مشخص در پی هم نمی‌آیند و هجاهایشان نیز، به صورت نامنظم و غیرتکراری و در قالب خوشه‌های هجایی «۴ تا ۴ تا ۳ تا»، «۴ تا ۴ تا ۳ تا»، «۴ تا ۴ تا ۲ تا»، «۳ تا ۴ تا ۴ تا»، «۳ تا ۴ تا ۳ تا» و ... تقسیم می‌شود؛ به عبارتی: بیت‌هایی که «پایه‌های آوایی ناهمسان» دارند.
- از پایه‌های آوایی غیرتکراری و نامنظم تشکیل می‌شوند.
- خوشه‌های هجایی آن‌ها غیرتکراری و به صورت «۴ تا ۴ تا ۳ تا»، «۴ تا ۴ تا ۳ تا» و ... است.
- وزن‌واره‌ها یا «ارکان عروضی» شان غیرتکراری و مختلف (ناهمگون) است.

آشاور...

در قلمرو شعر فارسی — وزن و موسیقی سروده‌ها، همواره از یک نظم آهنگین پیروی نمی‌کند؛ بلکه، در شعر فارسی، اوزان دل‌نشین و گوش‌نوازی وجود دارد که نظمی ناهمسان (ناهمگون) دارند و به آن‌ها «اوزان ناهمسان» گفته می‌شود.



اوزان ناهمسان

آن دسته از اوزان شعری است که آرایش و چیدمان «پایه‌های آوایی» یا «ارکان عروضی» در آن‌ها در هم است و نظم مشخصی ندارد؛ به عبارت دیگر: «پایه‌های آوایی»شان نامنظم و ناهماهنگاند و «خوشه‌های هجایی» و «وزن‌واژه‌ها» یا «ارکان عروضی»شان هم مختلف، غیرتکراری و نامنظم (بدون نظم مشخص) است.

مثال درد عشقی کشیده‌ام که مه‌رس زهر هجری چشیده‌ام که مه‌رس

پایه‌های آوایی	د ر د ع ش قی	ز ه ر ه ج ر ی	ک ب ش د ام	ک ب ف پُرس
خوشه‌های هجایی	- U -	- - U -	- U - U	- U U
وزن‌واژه‌ها (ارکان عروضی)	فاعلاتن	مفاعلتن	فعلن	

وزن این بیت، یک «وزن ناهمسان» به شمار می‌رود؛ چون: ۱) خوشه‌های هجایی آن، غیرتکراری و نامنظم‌اند. ۲) از ترکیب ۳ رکن غیرتکراری و متفاوت «فاعلاتن + مفاعلتن + فعلن» ساخته شده.

نکته ۱

برای رسیدن به وزن عروضی یک بیت - پس از تقطیع هجایی -:

- نخست هجاهای بیت را براساس اوزان همسان تک‌پایه‌ای (تکراری) - که از تکرار منظم یک رکن خاص مثلاً «فاعلاتن، مفاعلتن، مستعلن و ...» ساخته می‌شوند - به خوشه‌های هجایی ۴ تا ۴، ۴ تا ۳ تا ۳ و ... تقسیم‌بندی می‌کنیم.
- اگر با این تقسیم‌بندی، وزن بیت به صورت «همسان تک‌پایه‌ای (تکراری)» حاصل نشد، در این صورت، وزن بیت را براساس نظم اوزان «همسان دولختی (دوری)» می‌سنجیم تا یکی از وزن‌های همسان دولختی (دوری) حاصل شود.
- اگر نظم برش‌های آوایی با این معیارها ممکن نبود و وزن بیت، با این تقسیم‌بندی هم حاصل نشد، نتیجه می‌گیریم که بیت در یکی از «وزن‌های ناهمسان» (اوزان بدون نظم) سروده شده و پایه‌ها و ارکان عروضی آن را باید براساس «اوزان ناهمسان» مشخص کنیم.

مثال آتش خبّ الوطن جو شعله فرورزد از دل مؤمن کند به مجمره اسپند (مجمعه: آتشدان)

پایه‌های آوایی	آ ت ش ح ب	ا ز د ل	یل و ط ن ج	ش ع ل ف ر	ز د
خوشه‌های هجایی	- U U -	- U U -	- U - U -	- U U -	- -
وزن‌واژه‌ها (ارکان عروضی)	مفتعلن	فاعلاتن	مفتعلن	فعلن	

وزن این بیت، نه یک وزن همسان تک‌پایه‌ای (تکراری) است - که از تکرار یک رکن خاص ایجاد شده باشد - و نه یک وزن همسان دولختی (دوری) - که از تناوب دو رکن مختلف حاصل شده باشد -؛ بلکه، یک «وزن ناهمسان» است که از خوشه‌های هجایی و ارکان عروضی ناهمسان و مختلف به صورت «مفتعلن فاعلاتن مفتعلن فعلن - UU - UU - UU - UU - UU - UU -» تشکیل شده؛ زیرا، هجاهای آن، فقط و فقط به صورت نامنظم «۴هجایی + ۴هجایی + ۴هجایی + ۱هجایی» قابل تقسیم است.

پس قلمبه کلام این که برآ رسیدن به وزن بیت (چه وزن همسان و چه وزن ناهمسان)، اول می‌ریم سراغ تقسیم‌بندی هجاها به خوشه‌های «۴ تا ۴» یا «۴ تا ۳ تا ۳» و وزن تکراری به دست بیاریم؛ اگر نشد، می‌ریم سراغ تقسیم‌بندی هجاها به خوشه‌های «۴ تا ۴» یا «۴ تا ۳ تا ۳» یا «۴ تا ۳ تا ۳» (دولختی)؛ و اگر باز هم نشد، نتیجه می‌گیریم که بیت موردنظرمون، در «وزن ناهمسان» سروده شده؛ والتسلام!

نکته ۲

در تعیین وزن بیت‌هایی که وزن ناهمسان دارند، همواره این گونه نیست که فقط با یک نوع تقسیم‌بندی هجایی خاص روی‌رو باشیم؛ بلکه، گاه هجاهای برخی ابیات را می‌توان به ۲ شکل مجزاً خوشه‌بندی (دسته‌بندی) کرد که در این صورت، وزن آن ابیات به ۲ شکل (۲ وزن ناهمسان) به دست می‌آید.

مثال ۱ بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست

بگشای لب که قند فراوانم آرزوست

مستفعلن		مفاعِل			مستفعلن		فعل	
پند	ما	ی	ز	ک	یا	غ	س	ت
نَگ	شا	ی	نَ	ک	قند	د	ف	را
	-	-	-	U	-	U	-	U
	-	-	-	U	-	U	-	U
وزن و اوزانها (ارکان عروضی)		مفعول			فاعلات		مفاعیل	
		فاعلن						

⊕ هجاهای این بیت را - همان طور که می‌بینی - به ۲ شکل متفاوت تقسیم کردیم: یک بار به شکل «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن: - - U U - - U - - U - - U» و یک بار به شکل «مستفعلن مفاعِل مستفعلن فعل: - - U - - U - - U U - - U - - U» که هر دو شکل هم «وزن ناهمسان» هستند.

مثال ۲ از کرده خویشتن پشیمانم

جز تویه ره دگر نمی‌دانم

مستفعلن		فاعلات			مستفعلن	
از	خر	د	ی	خ	ش	تن
چُز	تو	پ	ز	ه	د	گر
	-	-	U	-	U	-
	-	-	U	-	U	-
وزن و اوزانها (ارکان عروضی)		مفعول			مفاعِلن	
		مفاعیلن				

⊕ هجاها و ارکان عروضی این بیت را به ۲ شکل تقسیم کردیم: هم به شکل «۳هجایی ۴هجایی ۳هجایی» یعنی «- - - U - - U - - U - - U» که وزن ناهمسان «مفعول مفاعِلن مفاعیلن» به دست آمد و هم به شکل «۴هجایی ۴هجایی ۳هجایی» یعنی «- - - U - - U - - U - - U» که وزن ناهمسان «مستفعلن فاعلات مستفعلن» حاصل شد.

نکته ۳

در تعیین مرز پایه‌های آوایی و دسته‌بندی هجاها (خوشه‌های هجایی)، «نظم همسان» بر «چینش و نظم ناهمسان» ترجیح دارد؛ اگر وزن یک شعر هم به صورت «وزن همسان» و هم به صورت «وزن ناهمسان» حاصل شود، اولویت با شکلی «وزن همسان» است؛ پس هجاهای آن را باید براساس «نظم همسان» تقسیم‌بندی کرد.

مثال تا رفت مرا از نظر آن چشم جهان‌بین

کس واقف ما نیست که از دیده چه‌ها رفت

مستفعلن		مستفعلن			مستفعلن		مستفعلن	
تا	رفت	ث	ف	را	از	ن	ظ	چ
کس	وا	ق	ف	ما	نی	ش	ک	از
	-	-	U	-	-	U	-	U
	-	-	U	-	-	U	-	U
وزن و اوزانها (ارکان عروضی)		مفعول			مفاعیل		مفاعیل	
		مفاعیل				مفاعیل (فعلون)		

⊕ هجاهای این بیت را - همان طور که دیدی - به ۲ شکل تقسیم‌بندی کردیم؛ اما شکل دوم (مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن) - که یک وزن «همسان» به شمار می‌رود - بر شکل اول (مفعول مفاعیل مفاعیل فعلون) - که یک وزن «ناهمسان» است - ترجیح دارد.



مثال ۳: ای بست صاحب دلان! مشاهده بنمای تا تو ببینیم و خوبستن نپرستیم (مشاهده: چهره)

پایه‌های آوایی	ای بُتِ صا	جبِ دِ لایِلُ مَد	شا هِدِ دِ پند	مای
خوشه‌های هجایی	- U U -	- U - U -	- U U -	- -
وزن‌واژه‌ها (ارکان عروضی)	مفتعلن	فاعلات	مفتعلن	فَع

مثال ۴: حسن تو هر جا که طبل عشق فرو کوفت بانگ برآمد که غارت دل و دین است

پایه‌های آوایی	حَسَن نِ نَ نِ	جَا کِ طَبْ لِ	عِشْقِ قِ فُ رُو	کوفت
خوشه‌های هجایی	- U U -	- U - U -	- U U -	- -
وزن‌واژه‌ها (ارکان عروضی)	مفتعلن	فاعلات	مفتعلن	فَع

هجای نهم مصراع دوم (رت)، هجای کوتاهه؛ اما همون‌طور که وزن شعر نشون می‌ده، باید این هجای کوتاه رو به هجای بلند (-) تبدیل کنیم تا با هجای بلند روبه‌روش (عشق) یکسان بشه و رکن سوم مصراع دوم هم به صورت «مفتعلن»: - U U - دربیاد و به این ترتیب، به وزن شعر برسیم.

۳- مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن: - U U - U U - U U - U U - U U -
 * این وزن، از جمله اوزان ناهمسان پرکاربرد است که از ترکیب ۴ خوشه هجایی یا ۴ رکن عروضی متفاوت و ناهمسان یعنی «مفعول + فاعلات + مفاعیل + فاعلن» ساخته می‌شود و خوشه‌های هجایی آن به صورت «۳هجایی + ۴هجایی + ۳هجایی + ۴هجایی» است؛ **شکل این‌که:** هجاهای این وزن را می‌توان به خوشه‌های هجایی «۴هجایی + ۴هجایی + ۴هجایی + ۳هجایی» هم تقسیم کرد که **در این صورت:** وزن شعر به صورت «مستعلن مفاعل مستعلن فاعل» (- U U - U U - U U - U U -) حاصل می‌شود که یک «وزن ناهمسان» است. این مثال‌ها رو ببین:

مثال ۵: کی رفته‌ای ز دل که تمنا کنم تو را؟ کی بوده‌ای نهفته که پیدا کنم تو را؟

پایه‌های آوایی	کی زَفِ بِ	ای زِ دِلِ کِ	تِ فَنَدِ نَا کُ	نَمِ ثِ رَا
	کی بُو دِ	ای نِ هَفْ تِ	کِ پِیْدَا کُ	نَمِ ثِ رَا
خوشه‌های هجایی	- U - -	- U - U -	- U - -	- U - -
وزن‌واژه‌ها (ارکان عروضی)	مفعول	فاعلات	مفاعیل	فاعلن

وزن بیت، به وزن ناهمسانه که با تقسیم هجاء به خوشه‌های هجایی «۳هجایی + ۳هجایی + ۳هجایی + ۳هجایی» به صورت «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن» به دست می‌آید؛ اما - همون‌طور که می‌بینی - هجاهای این شعر رو می‌شه به خوشه‌های هجایی «۳هجایی + ۳هجایی + ۳هجایی + ۴هجایی» هم تقسیم کرد که در این صورت، وزن «مستعلن مفاعل مستعلن فاعل» به دست می‌آید که به وزن ناهمسانه.

مثال ۶: هر دم که در حضور عزیزی برآوری دریا، گز حیات جهان، حاصل آن دم است

پایه‌های آوایی	هَر دَمِ کِ	دَر خُ ضَوِ رِ	فِ زِیْدِ زِ بِ	رَا وَ رِی
	دَر یَا بِ	دَر خُ یَا بِ	جِ هَیْ حَا جِ	لَیْلُ ذِ قَسْتِ
خوشه‌های هجایی	- U - -	- U - U -	- U - -	- U - -
وزن‌واژه‌ها (ارکان عروضی)	مفعول	فاعلات	مفاعیل	فاعلن

مثال ۳: گر دوست بنده را بگشاید یا بپرورد

تسلیم از آن بنده و فرمان از آن دوست

	مستفعلن			مفاعِل			مستفعلن			
	فعل	مستفعلن		مفاعِل		مستفعلن				
پایه‌های آوایی	گر	دو	شَد	بند	د	را	بند	د	شَد	گر
خوشه‌های هجایی	تس	لی	ف	زا	ن	تند	د	د	ف	تس
وزن و اوزان (ارکان عروضی)	U	-	-	U	-	U	-	U	-	U
	-	U	-	U	-	U	-	U	-	-
	مفعول	مفاعیل		فاعلات		مفعول			فاعلن	

مثال ۴: باز این چه شورش است که در خلق عالم است؟

باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است؟

	مستفعلن			مفاعِل			مستفعلن							
	فعل	مستفعلن		مفاعِل		مستفعلن								
پایه‌های آوایی	با	زَیْجَر	چ	شو	ر	شَس	ث	ی	قِر	خَلد	قِ	عَا	ت	سِت
خوشه‌های هجایی	با	زَیْجَر	چ	تو	ج	و	چ	غ	زا	و	چ	ما	ث	سِت
وزن و اوزان (ارکان عروضی)	U	-	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	-
	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	-
	مفعول	مفاعیل		فاعلات		مفعول			فاعلن					

هجاهای ششم و هفتم مصرع دوم (و، و) هجای کوتاه‌هایی که طبق قاعده و اختیارات شاعری، هر دو رو به هجای بلند (-) تبدیل می‌کنیم تا با هجاهای بلند رو به روشن (شد، قفا) یکسان بشود و وزن شعر به دست بیاید. در ضمن: توفقه داشته باش که این مثال، مثال صفحه ۲۶ فود کتاب درسیه که وزن اون، صرفاً با اعمال همین اختیارات شاعری به دست می‌آید.

نکته

این وزن، با تغییراتی در وزن اصلی «مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن» حاصل شده؛ به این ترتیب که:

۱) با تغییراتی در ارکان عروضی «مفاعیلن: U---» و «فاعلاتن: U--»، ارکانی جدید به این شکل ایجاد شده:

• مفاعیلن (U---) یا کوتاه‌کردن هجای پایانی مفاعیل (U--U)

• مفاعیلن (U---) یا کوتاه‌کردن هجای پایانی و حذف هجای کوتاه آغازین مفاعیل = مفعول (U--)

• فاعلاتن (U--U) یا کوتاه‌کردن هجای پایانی فاعلات (U-U)

• فاعلاتن (U--U) یا حذف هجای پایانی فاعلن (U--)

۲) با کنار هم قرار گرفتن این ارکان عروضی جدید، وزن «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن» ساخته شده؛ به این شکل:

وزن اصلی: مفاعیلن (U---) + فاعلاتن (U--U) + مفاعیلن (U---) + فاعلاتن (U--U)

وزن ناهمسان ایجاد شده: مفعول (U--U) + فاعلات (U-U) + مفاعیل (U--U) + فاعلن (U--)

۴- مفعول مفاعیل مفاعیل مفاعی (= فعلن): U--U / U--U / U--U / U--U

• این وزن، از جمله اوزان ناهمسان پرکاربرد است که از ترکیب خوشه‌های هجایی و یا ارکان عروضی متفاوت و ناهمسان به صورت «مفعول + مفاعیل + مفاعیل + مفاعی (= فعلن): U--U / U--U / U--U / U--U» ساخته شده و ترکیب خوشه‌های هجایی آن، به صورت «۳هجایی + ۴هجایی + ۴هجایی + ۳هجایی» است.

توجه...

هجاهای این وزن را می‌توان به خوشه‌های منظم و تکراری «۴هجایی + ۴هجایی + ۴هجایی + ۳هجایی» نیز تقسیم کرد؛ که در این صورت، وزن شعر به شکل «مستفعل مستفعل مستفعل مستفعل: U--U / U--U / U--U / U--U» حاصل می‌شود که یک «وزن همسان» به شمار می‌رود؛ ضمن این‌که، شکل «وزن همسان» در این دسته از اوزان، بر شکل «وزن ناهمسان» آن ترجیح دارد؛ یعنی وقتی می‌توانیم هجاهای این اشعار را براساس «وزن همسان» تقسیم کنیم، دیگر تقسیم‌بندی هجاهای آن براساس «وزن ناهمسان» جایز نیست. اولویت با «وزن همسان» است.

مثال ۱: دل نیست گیوتو که جو برخاست نشیند

از گوشهٔ بامی که پریدیم، پریدیم

مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل				
دل	نی	شُت	تَد	بو	تر	ک	چ	تر	خا	شُت	ب	ش	ند
از	گو	ش	ی	با	می	ک	ب	ر	د	م	ب	ر	دیم
-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-
-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-
مفعول			مفاعیل			مفاعیل			مفاعیل (= فعولن)				
وزن و اوزانها (ارکان عروضی)													

⊕ هجاهای این بیت را - همان‌طور که می‌بینی - به ۲ شکل متفاوت تقسیم‌بندی کردیم؛ اِذا شکل دوم (مستفعل مستفعل مستفعل مستف) که یک وزن «همسان» به شمار می‌رود - بر شکل اول (مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن) - که یک وزن «ناهمسان» است - ترجیح دارد. در مورد بقیه نمونه‌ها هم وضع به همین شکل.

مثال ۲: ای تیر غمت را دل عشاق نشانه!

جمععی به تو مشغول و تو غایب ز میانه

مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل				
ای	تیر	ر	فَد	مت	را	د	ل	عُش	شا	ق	ب	شا	ن
جم	عی	پ	ت	مش	غو	ل	ت	فا	یب	ز	ب	یا	ن
-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-
-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-
مفعول			مفاعیل			مفاعیل			مفاعیل (= فعولن)				
وزن و اوزانها (ارکان عروضی)													

مثال ۳: هفت طلب از باطن پیران سحرخیز

زیرا که یکی را ز دو عالم طلبیدند

مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل				
هف	ت	ط	ت	بِز	با	ط	ن	ب	را	ن	ت	خر	خیز
ز	را	ک	پ	کی	را	ز	د	عا	لم	ط	ت	ب	دند
-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-
-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-
مفعول			مفاعیل			مفاعیل			مفاعیل (= فعولن)				
وزن و اوزانها (ارکان عروضی)													

مثال ۴: عشق تو درآمد، ز دلم صبر به در شد

احوال دلم باز دگرباره دگر شد

مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل					
عش	ق	ت	د	را	قد	ز	د	نم	ض	ب	ز	ب	در	شُد
اح	وا	ل	د	لم	با	ز	د	گر	با	ر	ر	د	گر	شُد
-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	U	-	-
-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	U	-	-
مفعول			مفاعیل			مفاعیل			مفاعیل (= فعولن)					
وزن و اوزانها (ارکان عروضی)														

هجای دوم معراج اول (ق)، هجای کوتاهه: پس: اونو به هجای بلند (-) تبدیل می‌کنیم تا با هجای بلند روبه‌روشن (وا) یکسان بشه.

نکته

این وزن، با تغییراتی در وزن اصلی «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن» ساخته شده؛ به این ترتیب که:
 ۱) با تغییراتی در رکن عروضی «مفاعیلن: U - - -»، ارکانی جدید به این شکل ایجاد شده:

• مفاعیلن (U - - -) با کوتاه کردن هجای پایانی مفاعیل (U - - - U)

• مفاعیلن (U - - -) با کوتاه کردن هجای پایانی مفاعیل کوتاه‌ترین مفاعیل = مفعول (U - - - U)

• مفاعیلن (U - - -) با حذف هجای پایانی مفاعیل = فعولن (U - - -)

۴ با کنار هم قرار گرفتن ارکان عروضی جدید، وزن «مفعولٌ مفاعیلٌ مفاعیلٌ مفاعیلٌ» (= فعولن) به این صورت پدید آمده:
وزن اصلی: مفاعیلن (U---U) + مفاعیلن (U---U) + مفاعیلن (U---U) + مفاعیلن (U---U)

وزن ناهمسانی ایجاد شده: مفعولٌ (U---) + مفاعیلٌ (U---U) + مفاعیلٌ (U---U) + مفاعیلٌ (U---U) = فعولن (U---)

۵- فعلاتن مفاعِلن فَعْلَن: U---U-U-U-U-U

این وزن، از جمله اوزان ناهمسان پرکاربرد است که از ترکیب ۳ رکن عروضی ناهمسان یعنی «فعلاتن» (UU---) + مفاعِلن (U---U) + فَعْلَن (U---) و البته با اِعمال تغییراتی در اصل وزن «فعلاتن مفاعِلن فعلاتن» ساخته شده است؛ به این صورت که: از وزنی که از ترکیب ۳ رکن «فعلاتن + مفاعِلن + فعلاتن» (UU---U---U-U---U-U---U) در هر مصراع ساخته شده، اگر آخرین هجا از رکن پایانی (فعلاتن: UU---) حذف شود، وزنی جدید به صورت «فعلاتن مفاعِلن فَعْلَن» (UU---U---U-U---U) حاصل می‌شود؛ به این شکل:

UU---U-U-U-U-U ~~UU---U-U-U-U-U~~ یا چند آخرین هجا از رکن پایانی
(فعلاتن مفاعِلن فَعْلَن) (فعلاتن مفاعِلن فَعْلَن)

مثال ۱ نه خود اندر جهان نظیر تو نیست که قمر چون رخ قنبر تو نیست

پایه‌های آوایی	ن خ ذر ک ق فر چن	ج ه ه ز خ ف	ظ ی ن ی	ر ر	ت ت	نیست نیست
خوشه‌های هجایی	U U U U	U U	U U	U U	U U	U U U U
وزن و اوزانها (ارکان عروضی)	فعلاتن	مفاعِلن	فعلاتن	مفاعِلن	فَعْلَن	

البته هجای ششم مصراع دوم (خ) هم به هجای کوتاه که باید با هجای بلند روبرو شود (ها) یکسان بشه؛ پس طبق قواعد و اختیارات شاعری، اونو به هجای بلند (-) تبدیل می‌کنیم تا وزن شعر مقلد نشه.

مثال ۲ دل از آن دلستان به کس نرسد بر از آن بوستان به کس نرسد

پایه‌های آوایی	د ن ب ز	ز ز	د بو	ب ش	پ پ	س س	ن ن	ر ر	د د
خوشه‌های هجایی	U U U U	U U	U U	U U	U U	U U	U U	U U	U U U U
وزن و اوزانها (ارکان عروضی)	فعلاتن	مفاعِلن	فعلاتن	مفاعِلن	فَعْلَن				

توجه

گاه در رکن آغازین مصراع اول یا مصراع دوم یا هر دو مصراع این وزن، به جای رکن عروضی «فعلاتن: UU---»، رکن «فعلاتن: U---» می‌آید که این تفاوت جزئی، به ضرورت وزن صورت می‌گیرد و یکی از «اختیارات شاعری» مهم به شمار می‌رود.

مثال ۳ حال دل با تو گفتم هوس است خبر دل شنفتم هوس است

پایه‌های آوایی	ح ل خ ب	ل ر	د د	ب د	ت ش	ف ف	ن ن	م م	ه ه	و و	س س
خوشه‌های هجایی	U U	U U	U U	U U	U U	U U	U U	U U	U U	U U	U U U U
وزن و اوزانها (ارکان عروضی)	فعلاتن	مفاعِلن	فعلاتن	مفاعِلن	فَعْلَن						

در رکن آغازین مصراع اول، به جای رکن «فعلاتن: UU---» از رکن «فعلاتن: U---» استفاده شده؛ ضمن این‌که هجای سوم مصراع دوم (ر) به هجای کوتاه که طبق قواعد، اونو به هجای بلند (-) تبدیل می‌کنیم تا با هجای بلند روبرو شود (دل) یکسان بشه.

مثال ۲ مستم ز دو چشم نیم‌مستش وز پای درآمدم ز دستش

	مستعمل	فاعلات	مستف
پایه‌های آوایی	مستم ز وز پا ی	دُ چشم نی ذ را م دم	مُ دستش ز دستش
خوشه‌های هجایی	U - - U - -	- U - U - U - U	- - U - - U
وزن‌واژه‌ها (ارکان عروضی)	مفعول	مفاعِلن	مفاعی (= فعولن)

مثال ۳ جانان! نظری که ناتوانم بخشا که به لب رسید جانم

	مستعمل	فاعلات	مستف
پایه‌های آوایی	جانان بخشا کی	ظری کی نا پ لب ر سید	ن وا نم ذ جانم
خوشه‌های هجایی	U - - U - -	- U - U - U - U	- - U - - U
وزن‌واژه‌ها (ارکان عروضی)	مفعول	مفاعِلن	مفاعی (= فعولن)

مثال ۴ ای سرو بلند قامت دوست! وه وه که شمایلت چه نیکوست!

	مستعمل	فاعلات	مستف
پایه‌های آوایی	ای سرو و وه وه کی	بُ بلند د قا فد ما پ نَت	م ت دوست چ نیب کوست
خوشه‌های هجایی	U - - U - -	- U - U - U - U	- U - - U
وزن‌واژه‌ها (ارکان عروضی)	مفعول	مفاعِلن	مفاعی (= فعولن)

هجای نهم مصراع اول (ت) هجای کوتاهه: **بس**: طبق قواعد و اقتیارات شاعری، باید اوتو به هجای بلند (-) تبدیل کنیم تا با هجای بلند روبه‌روشن (تد) یکسان بشه و وزن شعر به صورت «مفعول مفاعِلن مفاعی (فعولن)» دربیاد.

نکته

این وزن، از وزن اصلی «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن» ساخته شده؛ به این ترتیب که:

۱) با اِعمال تغییراتی در رکن عروضی «مفاعیلن: U - -» ارکانی جدید به این شکل پدید آمده:

• مفاعیلن (U - -) **یا** **کوتکون‌های پایلی - سَنف‌های کُتَم‌تَرین**، فاعیل = مفعول (U - -)

• مفاعیلن (U - U) **یا** **کوتکون‌های سَنف**، مفاعِلن (U - U)

• مفاعیلن (U - -) **یا** **سَنف‌های پایلی**، مفاعی = فعولن (U - -)

۲) از کنار هم قرار گرفتن ارکان عروضی جدید یعنی «مفعول: U - -» و «مفاعِلن: U - U» و ترکیبشان با رکن «مفاعیلن: U - -»، وزن ناهمسان «مفعول مفاعِلن مفاعی (فعولن)» ساخته شده؛ به این شکل:

وزن اصلی: مفاعیلن (U - -) + مفاعیلن (U - -) + مفاعیلن (U - -)

وزن ناهمسان ایجادشده: مفعول (U - -) + مفاعِلن (U - U) + مفاعی = فعولن (U - -)

۸- مفعول فاعلات مفاعیلن: - - - - - U - - - - - U - - - - - U - - - - - U - - - - - U - - - - - U

این وزن، از جمله اوزان ناهمسان بسیار پرکاربردی است که از ترکیب ۳ خوشهٔ هجایی یا ۳ رکن عروضی متفاوت و ناهمسان یعنی «مفعول (U - - -)»، «فاعلات (U - -)» + «مفاعیلن (U - - -)» ساخته شده و خوشه‌های هجایی آن به صورت «۳هجایی + ۴هجایی + ۴هجایی» است؛ **ضن این‌که**، هجاهای این وزن را می‌توان به خوشه‌های هجایی «۴هجایی + ۴هجایی + ۳هجایی» تقسیم کرد که در این صورت، وزن شعر به صورت «مستعلن مفاعل مستعلن» درمی‌آید - که آن هم یک «وزن ناهمسان» است - . **پندار مثال ببین:**

مثال ۱ ای دل! عبث مخور غم دنیا را / فکرت مکن نیامده فردا را
مستعلن / مفاعل / مستعلن

پایه‌های آوایی	ای دل ف / فکرت	م م خُر ف / مکن	م دُن ف / فکرت	یا دا / فکرت	را را / فکرت
خوشه‌های هجایی	- - - / - - -	U - - / U - -	U - - / U - -	- - - / - - -	- - - / - - -
وزن‌واژه‌ها (ارکان عروضی)	مفعول	فاعلات	مفاعیلن		

با تقسیم هجاها و پایه‌های آوایی به خوشه‌های «۳هجایی + ۳هجایی + ۳هجایی»، وزن ناهمسان «مفعول فاعلات مفاعیلن» به دست آمد؛ **پندار** - همون‌طور که می‌بینی - می‌تویم هجاهای این شعر رو به دسته‌های «۳هجایی + ۳هجایی + ۳هجایی» هم تقسیم کنیم که در این صورت، وزن شعر به صورت «مستعلن مفاعل مستعلن» درمی‌آید.

مثال ۲ بشکفت لاله چون رخ معشوقان / نرگس به سان دیدهٔ شیدا شد
مستعلن / مفاعل / مستعلن

پایه‌های آوایی	بشکفت لاله / نرگس	چون رخ / شیدا شد	معشوقان / شیدا شد	بشکفت لاله / شیدا شد	نرگس به سان / شیدا شد
خوشه‌های هجایی	- - - / - - -	U - - / U - -	U - - / U - -	- - - / - - -	- - - / - - -
وزن‌واژه‌ها (ارکان عروضی)	مفعول	فاعلات	مفاعیلن		

مثال ۳ لبخند تو خلاصهٔ خوبی‌هاست / لختی بخند، خندهٔ گل زیباست
مستعلن / مفاعل / مستعلن

پایه‌های آوایی	لبخند تو / لختی	بخند / بخند	خندهٔ گل / لختی	لبخند تو / لختی	لبخند تو / لختی
خوشه‌های هجایی	- - - / - - -	U - - / U - -	U - - / U - -	- - - / - - -	- - - / - - -
وزن‌واژه‌ها (ارکان عروضی)	مفعول	فاعلات	مفاعیلن		

هجای چهارم مصراع اول (ت) به هجای کوتاهه که باید با هجای بلند روبروش (فتا) یکسان بشه؛ **پس** - اونو به هجای بلند (-) تبدیل می‌کنیم.

مثال ۴ این دهر بازگونه جو بستیزد / شیر زبان به دام درآویزد
مستعلن / مفاعل / مستعلن

پایه‌های آوایی	این دهر / شیر	بازگونه / زبان	جو بستیزد / زبان	این دهر / شیر	این دهر / شیر
خوشه‌های هجایی	- - - / - - -	U - - / U - -	U - - / U - -	- - - / - - -	- - - / - - -
وزن‌واژه‌ها (ارکان عروضی)	مفعول	فاعلات	مفاعیلن		

هجای دوم مصراع دوم (ر) به هجای کوتاهه؛ **پس** - اونو به هجای بلند (-) تبدیل می‌کنیم تا با هجای بلند روبروش (ده) یکسان بشه.



این وزن، با تغییراتی در وزن اصلی «مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن» حاصل شده؛ به این ترتیب که:
 ۱) با اِعمال تغییراتی در ارکان عروضی «مفاعیلن: U - - - و «فاعلاتن: - U - -»، ارکانی جدید به این شکل ایجاد می‌شود:

- مفاعیلن (U - - -) یا کوتاهترین همای پایانی - سلف همی کوتاهترین فاعیل = مفعول (U - -)
- فاعلاتن (U - U -) یا کوتاهترین همای پایانی فاعلات (U - U -)

۲) با کنار هم قرار گرفتن این ارکان عروضی جدید و ترکیب آن‌ها با «مفاعیلن: U - - -»، وزن «مفعول فاعلات مفاعیلن» ساخته می‌شود؛ به این شکل:

وزن اصلی: مفاعیلن (U - - -) + فاعلاتن (U - U -) + مفاعیلن (U - - -)

وزن ناهمسان ایجاد شده: مفعول (U - -) + فاعلات (U - U -) + مفاعیلن (U - - -)

وزن «مفعول فاعلاتن» U - - - U - U - U - - یکی دیگر از وزن‌های ناهمسان و البته کم‌کاربرد شعر فارسی است که از نظر موسیقی و شنیداری، بسیار شبیه وزن قبل (مفعول فاعلات مفاعیلن) است اما شکل هجاها و ارکان عروضی‌اش با آن تفاوت دارد. به مثال از این وزن بین:

مثال هُش دَر کِه عَالَم سَرای کَار است / مشغول چه باشی به نابه‌کاری؟!

پایه‌های آوایی	مستفعل			مستفعلن			فعلون				
	هش	دا	ز	ک	عا	نم	شد	را	ی	کا	زست
نش	خو	ل	چ	با	شی	پ	نا	پ	کا	ری	
-	-	U	U	-	-	U	-	U	-	-	-
-	-	U	U	-	-	U	-	U	-	-	-
وزن‌واژه‌ها (ارکان عروضی)	مفعول			مفاعیلن			فاعلاتن				

پس مواضع باشه که این دو تا وزن رو با هم اشتباه نگیری.

دوتا موضوع خیلی مهم:
 ۱) متأسفانه در نمونه‌های خودارزیابی کتاب درسی (ص ۲۶ و ۲۷)، بیت‌هایی به عنوان نمونه آمده که وزن عروضی‌شان مشمول اختیار شاعری «ابدال» است؛ در حالی که توضیح مربوط به این اختیار شاعری را جلوتر در درس ۸ می‌خوانیم و در این درس (درس ۲) و نیز کتاب علوم و فنون دهم و یازدهم نیز هیچ اشاره‌ای به آن نشده! اما اختیار وزنی «ابدال» براساس این اختیار شاعری، شاعر می‌تواند به جای دو هجای کوتاه کنار هم (UU) در میانه مصراع، یک هجای بلند (-) بیاورد.

نمونه‌ش، این دو تا بیت که هیئت نمونه‌های فوق‌کتاب درسی هستن:

مثال ۱ چو یسنوی سخن اهل دل، مگو که خطاست / سخن شناس نه‌ای جان من! خطا این جاست

مفاعیلن			فاعلاتن			مفاعیلن			فعلُن				
چ	بش	ن	ش	خ	ن	آه	ل	دل	م	گو	ک	خ	طاست
U	-	U	U	U	U	-	U	-	U	-	U	U	-
ش	خن	بش	نا	ش	ن	جا	ن	من	خ	طا	اچ	جاست	
U	-	U	-	U	-	-	U	-	U	-	-	-	-

توی آفرین رکن مصراع دوم، به پای دو هجای کوتاه کنار هم (UU)، به هجای بلند (-) اومده؛ یعنی: به پای و فعلن: UU از رکن و فعلن: - - - استفاده شده.



۶- علائم هجایی مربوط به همه مصراع‌ها درست است به‌جز

- (۱) شوق تو ساکن نگفت و مهر تو زایل: -UU -U -UU -
- (۲) گوی از همه خویان بربودی به لطافت: -UU -UU -UU -
- (۳) ما را نظر به قدرت پروردگار اوست: -U -U -U -U -
- (۴) مگذار کز جفایت دل گرم ما بسوزد: -UU -U -UU -UU -

۷- پایه‌های آوایی و ارکان عروضی همه ابیات به‌جز با الگوی هجایی زیر قابل تطبیق است.

-U -U -U -U -UU -U -U -U -U -

- (۱) دل ندانند تو را چنانکه تویی
- (۲) بنگر از هر چه آفرید خدای
- (۳) غمزه را گو که خون مریز به سحر
- (۴) کار عشق از وصل و هجران درگذشت

۸- وزن کدام بیت، با نمودار هجایی «-UU -U -U -UU -» مطابقت دارد؟

- (۱) دل چه شناسد که چیست قیمت سودای تو؟
- (۲) آنچه تو کردی بستا! نه شرط وفا بود
- (۳) چون ز نسیم می‌شود زلف بنفشه پرشکن
- (۴) من که سراینده این نوگلم

۹- وزن کدام بیت از ابیات داده‌شده، با علائم هجایی روبه‌رو قابل تطبیق نیست؟ «-UU -U -U -UU -»

- (۱) تا نام تو بر زبان بیفتاد
- (۲) من نیز به صحبت کمر بندم
- (۳) زان زلف شکسته عاشقان را
- (۴) جانم ز دو حور در بهشت است

۱۰- تقطیع هجایی و وزن کدام بیت، با الگوی هجایی «UU -U -U -UU -U -U -» مطابقت کامل دارد؟

- (۱) به وقت صبح قیامت که سر ز خاک برآرم
- (۲) به باغ وصل تو خاری رقیب صد زرد است
- (۳) اگر به دست من افتد، فراق را بکشم
- (۴) چشم دارم که مرا از تو پامی برسد

۱۱- علائم هجایی و وزن همه ابیات زیر به‌جز با وزن «مستفعلن مفاعِلْ مستفعلن» یکسان است.

- (۱) تاک رز از انگور شد گرامی
- (۲) ز آن بخشی که بر در عالم شد
- (۳) برنا کند صبا به فسون اکنون
- (۴) حیران و دل‌شکسته چنین امروز

۱۲- کدام بیت، در وزن عروضی «مستفعلن مفاعِلْ مستفعلن فَعْل» سروده شده است؟

- (۱) عشق تو چون درآید، شور از جهان برآید
- (۲) جان! لب تو پیشکش از ما چه ستاند؟
- (۳) با تیم‌پختگان نتوان گفت سوز عشق
- (۴) روزی که در جام شفق مُل کرد خورشید

۱۳- کدام یک از ابیات زیر، در وزن «مفعولٌ مفاعِلن فعولن» سروده شده است؟

- (۱) ای آن که به امر توست گردنده
- (۲) بی‌غمش رنگ عیش کس نبرد
- (۳) افسوس مسیح بر تو می‌خوانم
- (۴) ابروش کمان قتل عاشق

۱۴- وزن کدام بیت، به صورت «مفتعلن فاعلات مفتعلن فع» است؟

- (۱) خواجه جانی به لطف، شاه جهانی به قدر
- (۲) حسن تو دایم بدین قرار نمائد
- (۳) پای دار ای دل! که جانان دست غارت برگشاد
- (۴) چون به هوای مدحت زهره شود ترانساز



۱۵- همه ابیات زیر، در وزن عروضی «مفاعیلن مفاعیلن فعولن» سروده شده‌اند به‌جز

- | | |
|---------------------------------|--------------------------------|
| ۱) شیم روشن شده است و من ز خوبی | ندانم بدر خوانم یا هلاکت |
| ۲) اگرچه دیگری بر ما گزیدی | ندانستی کز او تا ما چه فرق است |
| ۳) آن‌ها که محققان راه‌اند | در مسند فقر پادشاه‌اند |
| ۴) من از دل آن زمانی دست شستم | که شد در زلف آن دلبر وطن ساخت |

۱۶- وزن کدام‌یک از ابیات زیر، به صورت «مستفعل مستفعل مستفعل مستفعل» است؟

- | | |
|----------------------------------------|---------------------------------------|
| ۱) جان بخت آن ساعت کز لب شکرم بخیسی | دانم که تو ز آن لب‌ها جاتی دگرم بخیسی |
| ۲) تقدیر که بر کشتت آرم نداشت | یر حسن جوانیت دل نرم نداشت |
| ۳) تا از طلب به یافت رسی، سال‌هاست راه | بس کن حدیث یافت، طلب را به جان طلب |
| ۴) تب‌ها کشم از هجر تو شب‌های جدایی | تب‌ها شوم بسته چو لب‌ها بگشایی |

۱۷- کدام بیت، در وزن عروضی «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن» سروده شده است؟

- | | |
|-------------------------------------|--------------------------------------|
| ۱) از نامه سیاه نترسم که روز حشر | یا فیض لطف او صد از این نامه طی کنم |
| ۲) ناچار هر که صاحب روی نکو بود | هر جا که بگذرد، همه چشمی در او بود |
| ۳) یا هر که خبر گفتم از اوصاف جمیلش | مشقان چنان شد که چون من بی‌خبر افتاد |
| ۴) تا حلقه‌های زلف به هم برشکستای | بس توبه‌های ما که به هم درشکستای |

۱۸- تمامی ابیات، در وزن ناهمساز «مفعول مفاعیلن مفاعیلن» سروده شده است به‌جز

- | | |
|--------------------------------|---------------------------|
| ۱) نومید مگو ز رحمت یزدان | سبحانک لا اله الا هو |
| ۲) دانی چه حیات‌ها و مستی‌هاست | در مجلس عشق جان‌سپاری را! |
| ۳) من ماه ندیدم کله‌دار | من سرو ندیدم قباپوش |
| ۴) خاری است درشت صحبت جاهل | کو چشم وفا و مردمی خارد |

۱۹- در کدام گزینه، به وزن بیت زیر، به درستی اشاره شده است؟

- | | |
|-------------------------------------|--------------------------------|
| «ماهت نتوان خواند بدین صورت و گفتار | مه را لب و دندان شکریار نباشد» |
| ۱) مستفعل مستفعل فعل | ۲) مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن |
| ۳) مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن | ۴) مستفعلن مفاعل مستفعلن |

۲۰- وزن بیت زیر، در کدام گزینه به درستی نشان داده شده است؟

- | | |
|-------------------------|----------------------------|
| «گر نیست ابر معجزه یوسف | صحرا چرا چو روی زلیخا شد؟» |
| ۱) مفعول مفاعیل مفاعیلن | ۲) مفعول مفاعیل فعولن |
| ۳) مفعول مفاعیل فاعلاتن | ۴) مفعول فاعلات مفاعیلن |

۲۱- بیت «ز خاک گوی تو هر خار سوسنی است مرا / به زیر زلف تو هر موی مسکنی است مرا» در چه وزنی سروده شده است؟

- | | |
|-----------------------------------------|------------------------------------|
| ۱) فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن | ۲) مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن |
| ۳) مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن فعلن | ۴) فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن |

۲۲- وزن عروضی بیت «در عشق تو عاقبت حرام است / آن را که نه عشق پخت خام است» کدام است؟

- | | |
|--------------------------|-----------------------------|
| ۱) مستفعل فاعلات مستفعلن | ۲) مستفعل فاعلات مستفعل فعل |
| ۳) مستفعلن مفاعل مستفعلن | ۴) مستفعل فاعلات مستفعلن |

۲۳- وزن عروضی نوشته‌شده در مقابل کدام مصراع نادرست است؟

- | |
|----------------------------------------------------------------------|
| ۱) دوش می‌آمد و رخساره برافروخته بود فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن |
| ۲) دردزده است جان من، میوه جان من کجا: مقتعلن مفاعیلن مفتعلن مفاعیلن |
| ۳) نخفته‌ام ز خیالی که می‌بزد دل من: مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن |
| ۴) ما نیز یکی باشیم از جمله قربان‌ها: مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن |

۲۴- وزن عروضی نوشته‌شده در مقابل همه ابیات به‌جز بیت درست است.

- | |
|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱) عمری است تا من در طلب هر روز گامی می‌زنم / دست شفاعت هر زمان در نیک‌نامی می‌زنم: مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن |
| ۲) مالی نشانم ز عمر برتر / شاید که بنالم ز بهر مال: مفعول فاعلات مفاعیلن |
| ۳) جزای آن که نگفتم شکر روز وصال / شب فراق تخفتم لاجرم ز خیال: مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن |
| ۴) واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می‌کنند / چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن |

۲۵- علائم هجایی و وزن کدام‌یک از ابیات زیر با مصراع «غمزه بر گشتن من تیز مکن» یگسان نیست؟

- | | |
|---------------------------------------|-----------------------------------|
| ۱) بخت بدرنگ من امروز گم است | یا ربا این رنگ سواد از چه خم است؟ |
| ۲) شمع شب‌ها به‌جز خیال تو نیست | باغ جان‌ها به‌جز جمال تو نیست |
| ۳) یا ربا آن خال بر آن لب چه خوش است! | بر هلالش تقط از شب چه خوش است! |
| ۴) چشم بر لـغزش یاران مکن | به ملامت دل یاران مکن |

۲۶- وزن عروضی کدام گزینه، با بیت زیر کاملاً یکسان است؟

- بیه عزم توبیه سحر گفتم استخاره کنم
 (۱) دل دیوانه از آن شد که نصیحت شنود
 (۲) به شوق چشمه نوشت چه قطره‌ها که فشاتدم!
 (۳) غبار راه طلب کیمیای بهروزی است
 (۴) معاشران! گره از زلف یار باز کنید
- بهار توبه‌شکن می‌رسد، چه چاره کنم؟!
 مگرش هم ز سر زلف تو زنجیر کنیم
 ز لعل باده‌فروشت چه عشوه‌ها که خریدم!
 غلام دولت آن خاک عنبرین‌یویم
 شیخی خوش است، بدین قضا‌اش دراز کنید

۲۷- کدام یک از ابیات زیر با بیت «کردم خطر و بر سر گوی تو گذشتم / بسیار کند عاشق از این گونه خطر» در یک وزن سروده شده است؟

- (۱) ویران مکن این دیده و دل ز آتش و آب
 (۲) ز آن‌جا که رسم و عادت عاشق کفکف توست
 (۳) غمناک نباید بود از طمن حسود ای دل!
 (۴) ای یار! از آن باده نسیمی به من آور
- کان جای خیال توست، وین جای غمت
 با دشمنان قنچ کش و با ما عتاب کن
 شاید که چو واینسی، خیر تو در این باشد
 کان یوی شفا بخش یبود دفع خمارم

۲۸- وزن عروضی کدام بیت، با سایر ابیات متفاوت است؟

- (۱) روی تو دارد ز حسن آن‌چه پری آن نداشت
 (۲) مست تمام آمده است بر در من نیم‌شب
 (۳) مرد که با عشق دست در کمر آید
 (۴) کیست که در گوی تو فتنه روی تو نیست؟!
- حسن تو دارد ز ملک آن که سلیمان نداشت
 آن بت خورشیدروی و آن مه یاقوت‌لب
 گر همه رستم بوده، ز پای در آید
 وز پی دیدار تو بر سر گوی تو نیست!

۲۹- کدام بیت، در وزنی متفاوت با سایر ابیات سروده شده است؟

- (۱) دل نام تو بر نگین نویسد
 (۲) از بس که شنیدم یا رسم چرخ
 (۳) ترسیدم و پشت بر وطن کردم
 (۴) تمنای مرا جمال ازبیراک
- جان نقش تو بر جبین نویسد
 از یار من به یار آمد
 گفتم من و طالع نگونسارم
 دیوانه هلال برنتابد

۳۰- وزن عروضی کدام بیت، با سایر ابیات یکسان نیست؟

- (۱) آن یار کز او خانه ما جای پری بود
 (۲) ما درس سحر در ره میخانه نهادیم
 (۳) گر جان بدهد سنگ سیه لعل نگرده
 (۴) گر بد کند زمانه، تو نیکو خصال باش
- سر تا قدمش چون پری از عیب پری بود
 محصول دعا در ره جاتانه نهادیم
 با طینت اصلی چه کند؟! بدگهر افتاد
 بگذشت از این بسی به سر، این نیز بگذرد

۳۱- تمامی ابیات زیر در یک وزن عروضی سروده شده‌اند به جز

- (۱) نندیشم از کسی که به نادانی
 (۲) چون دین و خرد هستمان، چه باک است
 (۳) ای روی داده صحبت دنیا را!
 (۴) تا کی بُود خلاف تو یا دانا؟
- با من رسن ز کینه‌گشان دارد
 گر مُلکت دنیا به دست ما نیست!
 شادان و برقرارشته آوا را
 او جُسته مر تو را و تو زو جسته

۳۲- کدام بیت در وزن همسان تک‌پایه‌ای سروده نشده است؟

- (۱) کسی کز عشق خالی شد فرده‌ست
 (۲) وصلش اندیشه چون کنم که همی
 (۳) خیزان شد بهاری که من یافتم
 (۴) گر کسی را وصل دادی بی‌طلب
- گرش صد جان بود، بی عشق مرده‌ست
 دولت از ناکسان به کس نرسد
 کمان شد خدنگی که من داشتم
 دیدم او در درد بی‌درمان بماند

۳۳- کدام یک از ابیات زیر در «وزن ناهمساز» سروده شده است؟

- (۱) تا تو نیایی به فضل، رفتن ما باطل است
 (۲) چه خوش است بوی عشق از نفس نیازمندان
 (۳) طالب عشقی، دلی چو موم به دست آر
 (۴) طالع اگر مدد دهد، دامنش آورم به کف
- وز به مثل پای سمی در طلبت سر شود
 دل از انتظار خونین، دهن از امید خندان
 سنگ سیه صورت نگین نپذیرد
 گر بکشم زهی طرب، ور بکشد زهی شرف

۳۴- وزن عروضی کدام بیت، یک وزن ناهمساز به شمار نمی‌رود؟

- (۱) بر هر که رسید زخم هجرانت
 (۲) بست تو نفس هواپرو توست
 (۳) برداشته دل ز کار او بخت
 (۴) عشق تو گر بر قرار کار بماند
- گر سڈ سکندر است درگردد
 که به صد گونه خطا رهبر توست
 وامانده پند به کار او سخت
 کار جهان تا ابد قرار ندارد

۲۵- تمامی ابیات به‌جز در وزن ناهمسان و مشترک سروده شده‌اند.

- | | |
|-------------------------------------|------------------------------------|
| ۱) قدم منہ به خرابیات جز به شرط ادب | ۲) خیال روی تو در هر طریق همه ماست |
| ۳) چو آفتاب می از مشرق پیاله برآید | ۴) طمع مبر از لطف بی‌نهایت دوست |

۲۶- کدام گروه از ابیات زیر، با بیت «گشته‌ام در جهان و آخر کار دلبری برگزیده‌ام که مپرس» دارای وزن مشترک و یکسان است؟

- | | | | | |
|------------------------------|----------------------------|--------------------------------|--------------------------------|---------------------------|
| الف) رحم کن رحم، نظر بازمگیر | ب) می‌وزد از چمن نسیم بهشت | پ) زمین وجودت به جان خلاص دهند | ت) آن‌چه عشق دوست با من می‌کند | ث) صبح بی‌منت از برای دلم |
| ۱) الف - ب - ت | ۲) ب - پ - ت | ۳) الف - ب - پ | ۴) ب - پ - ت | ۵) الف - ب - ت |

۲۷- در میان ابیات زیر، به ترتیب چند بیت در وزن «ناهمسان» و چند بیت در وزن «همسان» سروده شده است؟

- | | | | | | |
|----------------------------|-------------------------------------|---------------------------------|----------------------------------|---------------------------------------|----------------------------------------|
| الف) محفد کافرینش هست خاکش | ب) در دیر معان آمد یارم قدحی در دست | پ) دلم سر به هامون رها می‌پسندد | ت) دانی حیات گشته شمیر عشق چیست؟ | ث) کشتی شکستگاتیم، ای باد شرطه! پرخیز | ج) هر شب و روزی که بی تو می‌رود از عمر |
| ۱) یک - پنج | ۲) دو - چهار | ۳) سه - سه | ۴) چهار - دو | ۵) سه - سه | ۶) چهار - دو |

۲۸- کدام دسته از ابیات زیر، تماماً در وزن «ناهمسان» سروده شده است؟

- | | | | | |
|--------------------------------------|-------------------------------------|---------------------------------------|-------------------------|--------------------------------|
| الف) دل پیش خیال تو صد دیده پرافشاند | ب) هر دم به تیر غمزه بریزی هزار خون | پ) آب زیند راه را، هین که نگار می‌رسد | ت) کس برای گره‌گشادن دل | ث) آمد نفس صبح و سلامت نرسانید |
| ۱) الف - ب - پ | ۲) پ - ت - ث | ۳) ب - پ - ت | ۴) ب - ت - ث | ۵) الف - ب - پ |

۲۹- کدام گروه از بیت‌های داده‌شده، همگی دارای وزن مشترک و یکسان هستند؟

- | | | | | | |
|---------------------------|------------------------------------|--------------------------------|------------------------------|----------------------------|----------------------------------------|
| الف) در سایه غم شکست روزم | ب) هر گو سر پیوند تو دارد به حقیقت | پ) تا لبش را لب نخواتی زینهار! | ت) در عشق ز تیغ و سر نیندیشم | ث) دل به سودای بتان دریستم | ج) در دل ندهم ره پس از این مهر بتان را |
| ۱) الف و ج - پ و ث | ۲) الف و ت - پ و ث | ۳) ب و ج - پ و ث | ۴) الف و ت - پ و ث | ۵) الف و ت - پ و ث | ۶) الف و ت - پ و ث |

۴۰- با توجه به نظم و ترتیب پایه‌های آوایی و هجاهای بیت، کدام واژه‌ها برای کامل کردن جاهای خالی مناسب است؟

- | | |
|---------------------------------|---------------------------------|
| دلم به گرد وصالش کجا رسد؟ | می‌دود، به خیالش کجا رسد؟ |
| ۱) جاننا - حیران | ۲) خاکی - سرگشته |
| ۳) جان و - حیران | ۴) هرگز - دائم |

۴۱- با توجه به پایه‌های آوایی و نظم و ترتیب هجاها، با کدام واژه‌ها می‌توان جاهای خالی بیت را کامل کرد؟

- | | |
|-------------------------------|--------------------------------------|
| عشق تو به جان ستد از من | چو شود تازه به چه ستاند؟ |
| ۱) منصور کهن - یا رب! - منصور | ۲) منصور قدیم - خدایا! - فرمان |
| ۳) منصور کهن - یا رب! - منصور | ۴) فرمان قدیم - الهی! - منصور |

۴۲- اگر بخواهیم بیت زیر با وزن «مفاعلاتن مفاعلاتن مفاعلاتن» تطبیق پیدا کند، واژه‌های کدام گزینه را باید انتخاب کنیم؟

- | | |
|------------------------------------|---------------------------------------|
| اگر شد اشک من | که مهر خاتم همچو عقیق |
| ۱) که سرخ - عجب نبود - لب‌های توست | ۲) به رنگ عقیق - چه بود - لب‌های توست |
| ۳) عقیقی‌رنگ - چه عجب - لعل تو هست | ۴) به رنگ عقیقی - چه عجب - لعل تو هست |

۴۳- اگر بخواهیم مصراع‌های بیت زیر با وزن «مفعول فاعلاتن مفاعلاتن فاعلاتن» مطابقت داشته باشد، واژه‌های کدام گزینه را باید انتخاب کنیم؟

- | | |
|-----------------------------------------|----------------------------------------|
| «..... و از | غارت کنیم پاده و |
| ۱) شویم شاد - کوی می‌کشان - ممشوق به بر | ۲) رویم سرمست - مجلس سماع - یاری به بر |
| ۳) جهیم سرخوش - بزم صوفیان - شاهد به بر | ۴) رویم شاد - بزم می‌کشان - ساقی به بر |

آرایه‌های ادبی



مراعات نظیر، تلمیح و تضمین

مراعات نظیر (تناسب)

در لغت **بشعیر**، مراعات تناسب‌ها و هماهنگی‌هاست و **بواسطه آن** آوردن واژه‌هایی است در سخن که همگی از یک مجموعه‌اند و با یکدیگر به نوعی تناسب و ارتباط معنایی دارند (اجزایی از یک کل معنایی‌اند).

در مراعات نظیر (تناسب) — تناسب و هماهنگی بین واژه‌ها، ممکن است از نظر نوع، جنس، زمان، مکان، همراهی و ... باشد؛ به این صورت که:

۱) واژه‌ها همگی از مقوله حیوانات، پرندگان، حشرات، موجودات دریایی، درختان، گل‌ها و گیاهان، اجرام آسمانی، ابزار جنگی، پوشیدنی‌ها، خوردنی‌ها، اجزای ساختمان، اندام‌ها و اعضای بدن، شهرها و کشورها، مکان‌های جغرافیایی، واحدهای زمان (روز، هفته، ماه، سال و ...)، اشخاص مربوط به یک داستان یا ماجرا یا واقعه تاریخی و ... است. ۲) واژه‌ها به دلیل همراهی یا یکدیگر، نوعی مراعات نظیر (تناسب) ایجاد می‌کنند؛ مانند «گل و بلبل»، «شمع و پروانه»، «روی و آینه»، «گهر و دریا» و ...

مثال ۱) هر کاو نظری دارد با یار **کمان** ایرو باید که **سپر** باشد پیش همه **پیکان**‌ها

بین **کمان**، **سپر**، **پیکان** (نوک **فرتزی تیز**) مراعات نظیر (تناسب از نظر نوع) برقراره: **پون**: همه‌شون نوعی ابزار جنگی هستن.

مثال ۲) من **مسلمانم** / **قبله** ام یک گل سرخ / **جانمازم** چشمه / **قهرم** نور / **دشت سجاده** من / من **وضو** یا **تیش** پنجه‌ها می‌گیرم.

بین **مسلمان**، **قبله**، **جانماز**، **قهر**، **سجاده**، **وضو** مراعات نظیر (تناسب از نظر همراهی) برقراره: **پون**: همه واژه‌ها از مجموعه مربوط به عبادت به شمار می‌رن.

توجه ...

زیبایی «مراعات نظیر» (تناسب) در گرو تعامل و همنشینی واژه‌هاست؛ که البته خواننده با درک و دریافت این ارتباط معنایی، لذت می‌برد.

نمونه‌های مراعات نظیر (تناسب)

- ☞ **سر** من مست جمالت، **دل** من رام خیالت **گهر** دیده نثار **گف دریای** تو دارد
- ☞ **سر**، **دل**، **دیده** — تناسب از نظر نوع (مجموعه اعضای بدن) / **گهر**، **دریا** — تناسب از نظر همراهی
- ☞ **شب** تاریک و **بیم‌موج** و **گردابی** چنین **هایل** **کجا** دانند حال ما **سبکیاران ساحل**‌ها؟
- ☞ **موج**، **گرداب**، **ساحل** — تناسب از نظر همراهی
- ☞ **آتش** **حب‌الوطن** چو **شعله** **فروزد** از **دل** مؤمن **کند** به **میجره اسپند**
- ☞ **آتش**، **شعله**، **میجره** (آتشدان)، **اسپند** — تناسب از نظر همراهی
- ☞ **مه** روشن میان **اختران** پنهان نمی‌ماند میان **شاخه‌های گل** مشو پنهان که پیدایی
- ☞ **مه**، **آختر** (ستاره) — تناسب از نظر جنس (مجموعه اجرام آسمانی)
- ☞ **چون** در این **میدان نداری دست و پای** همچو **گوی** **اختیار** **سر** به **زلف** همچو **چوگان**ش گذار
- ☞ **سر**، **دست**، **پا**، **زلف** — تناسب از نظر نوع (مجموعه اعضای بدن) / **میدان**، **گوی**، **چوگان** — تناسب از نظر همراهی
- ☞ **نرگس** از **چشمک‌زدن** شد **فخته در صحن چمن** شیوه‌های **چشم** **جادوی** توام آمد به **یاد**
- ☞ **نرگس**، **چمن** — تناسب از نظر نوع (مجموعه گیاهان) / **چشم**، **چشمک‌زدن** — تناسب از نظر همراهی
- ☞ **روی** **جانان** طلبی، **آینه** را **قابل** ساز **ورنه** **هرگز گل** و **نسرین** **ندمد ز آهن** و **روی**
- ☞ **روی**، **آینه** — تناسب از نظر همراهی / **گل**، **نسرین** — تناسب از نظر نوع (مجموعه گیاهان) / **آهن**، **روی** — تناسب از نظر جنس (مجموعه فلزات)
- ☞ **شعاع** **آفتاب** من اگر در **خانه** **گرم** **عقیق** و **زُر** و **یاقوت**م، **ولادت** ز **آب** و **طین** **دارم**
- ☞ **عقیق**، **زر**، **یاقوت** — تناسب از نظر جنس (مجموعه زبورآلات و یا سنگ‌ها و فلزات قیمتی) / **آب**، **طین** (گل) — تناسب از نظر همراهی
- ☞ **بسی** **تیر** و **دی‌ماه** و **اردیبهشت** برآید که ما **خاک** **باشیم** و **خشت**
- ☞ **تیر**، **دی**، **اردیبهشت** — تناسب از نظر زمان (مجموعه ماه‌های سال) / **خاک**، **خشت** — تناسب از نظر جنس (مجموعه اجزای ساختمانی)

تلمیح

• در لغت **تلمیح** «اشاره کردن یا گوشه چشم» یا «به گوشه چشم نگریستن» است و **تلمیح ادبی** آن است که شاعر یا نویسنده در ضمن شعر یا نوشته خود به آیه، حدیث، داستان، افسانه، مثل، واقعه تاریخی، اسطوره و ... اشاره کند.

• در «تلمیح» — شاعر یا نویسنده، با استفاده از ایجاز، یک داستان بلند را در سخنی کوتاه می‌گنجاند (معانی بسیار را در کمترین واژه‌ها جای می‌دهد).

مثال ۱ یا رب! این آتش که بر جان من است **سود کن زان سان که کرده بر خلیل**

بیت تلمیح **داره به مابرای در آتش افکنند حضرت ابراهیم علیه السلام** توسط **نمرود و گنستان شدن آتش بر او به امر خداوند**.

مثال ۲ دل آرام گیرد به یاد خدا **نیاشد دمی لطفش از ما جدا**

بیت تلمیح **داره به آیه «لَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ: آگاه باش که دل‌ها به یاد خدا آرامش می‌یابد»**.

مثال ۳ نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت **متحیرم چه نامم شه فلک لافتنی را**

بیت تلمیح **داره به حدیث «لَا تَقْنِي إِلَّا عَلَى لَا تَقْنِي إِلَّا ذَوَالْفَلَقِ: یوا نمردی یون علی و شمشیری یون ذوالفقار نیست»**.

توجه

لازمه تشخیص دادن «تلمیح» موجود در ابیات و عبارات — آگاهی داشتن و یا آشنایی با آیه‌ها، احادیث، وقایع تاریخی، اسطوره‌ها، داستان‌ها (چه داستان‌های مربوط به پیامبران و امامان و چه داستان‌های عاشقانه و عارفانه و حماسی و تاریخی)، اشعار و یا ضرب‌المثل‌هایی است که در ابیات یا عبارات به آن‌ها اشاره شده.

نکته

یکی از مهم‌ترین راه‌های تشخیص دادن «تلمیح» در بیت‌ها و عبارت‌ها **حیات است** وجود یک کلمه یا ترکیب خاص؛ که البته ممکن است اسم شخص خاص، اسم یا لقب پیامبر یا امام یا شخصیت تاریخی و دینی (اعم از پادشاه، عارف، عابد و ...)، صفات خداوند (تظنیر «کریم، رحیم، ستار، جبار، قدیر و ...»)، بنای تاریخی، مکان و یا موقعیت جغرافیایی خاص، رودخانه خاص، یک کلمه یا ترکیب از یک آیه یا حدیث — که اغلب بار معنایی کاملی هم ندارد — و به طور کلی هر کسی یا چیزی که به یک داستان یا واقعه تاریخی مربوط است؛ مانند: فرهاد، شیرین، لیلی، مجنون، حلاج، فرعون، موسی، نیل، یوسف، زلیخا، أحد، خیبر، آب حیات، آنالحق، بار امانت و ...

مثال ۱ ز حسرت لب شیرین هنوز می‌بینم **که لاله می‌دمد از خون دیده فرهاد**

واژه‌های «شیرین» و «فرهاد» **کلیدهایی هستند که ذهن ما رو به سمت «ماجرای عاشقانه فرهاد و شیرین» می‌کشون تا متوجه تلمیح بیت به این ماجرای عاشقانه بشیم**.

مثال ۲ جهان ز مهر تو آسوده گشت، پنداری **بیزست کشتی نوح از تلاطم طوفان**

واژه‌های «کشتی نوح» و «طوفان» **واژه‌های کلیدی هستند که «ماجرای کشتی نوح» را متوجه می‌کنند** به امر خداوند **نیات افراد صالح قوم نوح را رو برای ما تداعی می‌کنن**.

نکته

گاه «تلمیح» موجود در یک بیت یا عبارت، با آرایه «مراعات نظیر (تناسب)» هم همراه است؛ **واژه‌هایی که نشان‌دهنده «تلمیح» در بیت هستند، با هم «مراعات نظیر» (تناسب) هم دارند**.

مثال بیستون گندن فرهاد نه کاری است شگفت **شور شیرین به سر هر که فتد، کوهکن است**

بیت تلمیح دارد به «ماجرای عاشقانه فرهاد و شیرین و بیستون گندن فرهاد به عشق شیرین» **ضمن این‌که**، بین «فرهاد و شیرین» و نیز «بیستون و کوهکن» آرایه «مراعات نظیر» (تناسب) هست.

نمونه‌های تلمیح

این‌ها که چون منیژه لب چاه می‌نشست **گریان به تازیانه افراسیاب رفت**

تلمیح به «ماجرای اسیر شدن بیژن در چاه توسط افراسیاب و این‌که منیژه (دختر افراسیاب) — که معشوق «بیژن» بود — شب‌ها به صورت پنهانی برای دیدار با بیژن، بر سر چاه می‌رفت.

گفت آن یار کز او گشت سر دار بلند **جرمش این بود که اسرار هویدا می‌کرد**

تلمیح به «ماجرای بر دار کردن حسین بن منصور حلاج (عارف مشهور) به دلیل عقاید عرفانی‌اش و نیز سخن مشهور او یعنی «آنالحق».

مجنون که به دیوانه‌گری شهرة شهر است **در دشت جنون، همسفر عاقل ما بود**

تلمیح به «ماجرای عاشقانه قیس بن بنی‌عامر (ملقب به مجنون) با لیلی».

جانم ملول گشت ز فرعون و ظلم او **آن نور روی موسی عمرانم آرزوست**

تلمیح به «ماجرای مبارزات حضرت موسی علیه السلام با فرعون».

- ✦ عشرتی دارم به یاد روی آن گل در قفس عشق افکنده‌ست با یوسف به یک زندان مرا
- ✦ تلمیح به «ماجرای زندانی شدن یوسف علیه السلام در زندان مصر یا توطئه زلیخا».
- ✦ حرفی است این که خضر به آب بقا رسید زین چرخ دل‌سیه، دم آبی ندید کسی
- ✦ تلمیح به «ماجرای رسیدن خضر علیه السلام به آب بقا (آب حیات) و نوشیدن وی از آن و جاودانه شدن او».
- ✦ آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد
- ✦ تلمیح به آیه «كُلْ نَفْسٍ ذَاتَةً مَوْتٍ: هر نفسی چشیده مرگ است».
- ✦ دامن خاک شد ز بسد و لعل تاج فرعون و گنج دقیانوس
- ✦ تلمیح به «ماجرای فرعون و دقیانوس و ثروت بسیار آنان».
- ✦ یار بی‌پرده از در و دیوار در تجلی است یا اولی الأیصار
- ✦ تلمیح به آیه ۱۱۵ سوره بقره: ﴿وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ﴾: «مالکیت مشرق و مغرب (کل جهان) فقط ویژه خداست؛ پس به هر کجا روی کنید (بتگردید) آن‌جا روی خداست (خدا در آن‌جا حاضر است) ...»
- ✦ چون جواب احمق آمد خاقشی این درازی در سخن چون می‌کشی؟!
- ✦ تلمیح به ضرب‌المثل معروف «جواب الأحققی سکوت»: جواب لبلهان خاموشی (سکوت) است».
- ✦ گواه رهرو آن باشد که سردش یابی از دوزخ نشان عاشق آن باشد که خشکش بینی از دریا
- ✦ مصراع اول: تلمیح به «ماجرای سرد شدن و گلستان شدن آتش بر حضرت ابراهیم علیه السلام» / مصراع دوم: تلمیح به «ماجرای خشک شدن آب دریا و شکافته شدن آن به امر خداوند برای گذشتن موسی علیه السلام و قوم او از آن».
- ✦ ما به فلک بوده‌ایم، یار فلک بوده‌ایم باز همان‌جا رویم جمله که آن شهر ماست
- ✦ تلمیح به آیه ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾: «همه ما از خداییم و به سوی او بازمی‌گردیم».
- ✦ آسمان بار امانت نتوانست کشید قرعه کار به نام من دیوانه زدند
- ✦ تلمیح به «ماجرای پذیرش بار امانت الهی (عشق) توسط انسان» و آیه ۷۲ سوره احزاب: ﴿فَإِنَّا غَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾: «همانا ما بار امانت الهی را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم، پس از پذیرش آن ابا کردند و سر باز زدند و هراسناک شدند و حمل آن را انسان بر عهده گرفت؛ همانا که او [به سبب ادانکردن حق امانت] بسیار ستمکار و نادان است».

تضمین

• در لغت **تضمین**، ضمانت کردن و متعهد شدن به انجام کاری است و **بنا بر اصطلاح ادبی** آوردن «آیه»، «حدیث»، «مصراع»، «بیت»، «اصل» نوشته یا «سخن» یک شاعر یا نویسنده دیگر در ضمن سخن خود است؛ **به عبارتی**؛ در «تضمین»، شاعر یا نویسنده، یک آیه، حدیث و یا بخشی از یک آیه، حدیث، مصراع، بیت یا سخن از یک شاعر یا نویسنده دیگر را عیناً در ضمن سخن خود نقل می‌کند.

مثال ۱ خیز تا خاطر بدان ترک سمرقندی دهیم کز نسیمش «بوی جوی مولیان آید همی»

«بوی جوی مولیان آید همی» در واقع مصراع اول قصیده معروف رودکی سمرقندیه که «حافظه» توی مصراع دوم این بیت فودش، او تو تضمین کرده. اما بخشی از «قصیده رودکی»:

«بوی جوی مولیان آید همی یسار مه‌ریبان آید همی
ریگ آموی و درشتی‌های او زیر پایم پرنیان آید همی ...»

مثال ۲ چشم حافظ زیر بام قصر آن حوری سرشت شیوه «جنات تجری تحتها الأنهار» داشت

«حافظه توی مصراع دوم این بیت فودش، بخشی از آیه ۸ سوره «البقره» ﴿فَرَأَوْهُمُ يَمْشُونَ عَلَى الْأَنْهَارِ مُقَدِّمِينَ قَالُوا قَالِدِينَ فَبُيَا أَتَى ...﴾: پاراشان نزد پروردگارش پوشش‌های پاینده‌ای است که از زیر [درختان] آن نورها جاری است؛ در آن‌ها جاودانه اند (...). رو تضمین کرده».

مثال ۳ درویش بی‌معرفت نیارآمد تا ققوش به کفر انجامد: «کاه الفکر ان یكون کفراً»

«سعدی» با تضمین این هریث توی سفی فودش، فواسته ارتباط بین «فکر» و «کفر» رو نشون بده».

• شاعر یا نویسنده **با استفاده از تضمین**؛ (۱) مقصود خود را بهتر بیان می‌کند. (۲) یا ایجاد تنوع در ذهن خواننده، سبب التذاذ او می‌شود. (۳) آگاهی خود را از موضوعات مختلف نشان می‌دهد.

توجه ...

در تضمین شعر یا نوشته دیگران، اشاره به نام آن شاعر یا نویسنده لازم است؛ مگر آن‌که به دلیل شهرت بسیار شاعر مورد نظر و یا شعر او، نیازی به ذکر نامش نباشد.

• به کار رفتن هر نوع عبارت عربی در سخن شاعر یا نویسنده، صرفاً به دلیل عربی بودن آن، «تضمین» به شمار نمی‌رود؛ بلکه، ممکن است عبارت مورد نظر، یک عبارت عربی معمولی (غیر از آیه و حدیث) و یا یک عبارت دعایی به زبان عربی و یا حتی یک شعر عربی از خود شاعر باشد.

مثال ۱ آفتاب عقل و جان، أَفْضَى الْقَضَاءِ دین که هست چون قضای آسمان اندر زمین فرمانروا
عبارت «أَفْضَى الْقَضَاءِ» به عبارت عربی معمولی و در واقع به صفت عربی که شاعر بر امجدش خودش به کار برده و «تضمین» به شمار نمی‌رود.

مثال ۲ دل داده‌ام به یاری، شوخی گشای نگاری
مَرْصِيَّةُ الشَّجَايَا فَعْمُوَّةُ الْخَصَائِلِ
این بیت از سهرره و مصراع دومش هم به مصراع عربی از فرد شاعر... هیچ تضمینی تو این بیت به کار نرفته.

نکته ۱

گاه شاعر یا نویسنده، مثلی را که پیش از وی رواج داشته، در ضمن سخن خود می‌آورد؛ که این نیز، «تضمین» به شمار می‌رود.

مثال تو نیکی می‌کن و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز
این بیت از «سعدی» است؛ **آنا**؛ مصراع اول آن، مثلی بوده که قبل از «سعدی» هم رواج داشته و در کتاب «قابوس‌نامه» نیز آمده و «سعدی» در این بیت خود، آن را تضمین کرده.

نکته ۲

تفاوت «تلمیح» با «تضمین» در این است که، در «تلمیح»، شاعر یا نویسنده به یک آیه، حدیث، موضوع، داستان، حادثه تاریخی و ... صرفاً اشاره می‌کند؛ **آنا**؛ در «تضمین»، شاعر یا نویسنده، «آیه» یا «حدیث» یا بخشی از یک آیه، حدیث، مصراع، بیت و یا سخن یک شاعر یا نویسنده دیگر را عیناً در ضمن سخن خود می‌آورد.

به عنوان مثال این دو بیت رو ببین:

مثال ۱ نعمت از ما دان و شکر از فضل ما کن تا دهیم هر تو را زین شکر نعمت، نعمتی دیگر جزا
بیت تلمیح داره به آیه ۷ سوره ابراهیم: ﴿وَإِذْ تُلَذِّنُونَ بِنُحُوتِهِمْ لَكُمُ الْكُرْسِيِّمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمْ فَهُمْ أَهْلُ الْعَذَابِ عَذَابِ الْإِبْرَاهِيمَ إِذْ يُنَادِي بِأُذُنَيْهِ وَقَالَ إِنِّي مُتَوَكِّلٌ عَلَى اللَّهِ الْعَلِيِّمِ﴾ (و باز به خاطر آورید) وقتی که فدائون اعلام کرد که شما بندگان اگر شکر نعمت به جای آرید بر نعمت شما می‌افزایم و اگر کفران کنید، عذاب من بسیار سخت است. همون جور که می‌بینی، شاعر آیه مورد نظر رو عیناً توی کلام خودش نیآورده؛ بلکه فقط به اون اشاره کرده و از طریق مفهوم بیت، می‌شه به این تلمیح پی برد؛ پس بیت «تلمیح» داره نه «تضمین».

مثال ۲ این نه پس کاندرا ادای شکر حق پر جان تو دعوی انعام او را «و التَّحْنِی» باشد گوا
توی مصراع دوم، شاعر آیه ۱ سوره «التَّحْنِی» رو عیناً تو کلام خودش آورده و تضمین کرده.

نکته ۳

تضمین آیات و احادیث به یکی از این ۳ شکل اتفاق می‌افتد:

۱) شاعر یا نویسنده، کل یک آیه یا حدیث را در سخن خود تضمین می‌کند.

مثال وز ملک هم بایدم جستن ز جو «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ»
شاعر توی مصراع دوم این بیت، کل آیه ۸۸ سوره قصص رو تضمین کرده.

۲) شاعر یا نویسنده، بخشی از یک آیه یا حدیث را که معمولاً یک واحد معنایی کامل (یک جمله یا عبارت معنادار) باشد، در سخن خود تضمین می‌کند.

مثال این گمر ز «ایناک تعبد» بست در فرمان شروع وان دگر تاجی نهاد از «يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ»

شاعر توی مصراع اول، بخشی از آیه ۳ سوره قاتمه (ایناک تعبد و ایناک تستعین) و توی مصراع دوم هم، بخشی از آیه ۱۸ سوره حج (إِنَّمَا تَزُكُّونَ اللَّهَ بِسْمِئِهِ تَعَبُدُونَ فِي السَّمَاوَاتِ وَمِنَ الْأَرْضِ... إِنَّ اللَّهَ يُفْعَلُ مَا يَشَاءُ) رو تضمین کرده که البته هر دو بخش هم به عبارت معنادار و به واحد معنایی کامل هستن...

۳) شاعر یا نویسنده، با دخل و تصرف در یک آیه یا حدیث، کلمات و یا ترکیب‌هایی از آن آیه یا حدیث را به سلیقه خود انتخاب می‌کند و در سخن خود تضمین می‌کند؛ **به عبارتی**؛ آن آیه یا حدیث را به شکل ناقص‌تر (خلاصه‌تر) در سخن خود می‌آورد.

مثال ۱ پس عدم گردهم چون ارغنون گویدم «أَنَا إِلَهِكُمْ رَاجِعُونَ»

عبارت «أَنَا إِلَهِكُمْ رَاجِعُونَ» بخشی از کل آیه ۱۵۶ سوره بقره (... إِنَّا لِلَّهِ وَأَنَا إِلَهِكُمْ رَاجِعُونَ) به حساب می‌آید که شاعر با دخل و تصرف توی اصل آیه و حذف کلماتی از اون - به ضرورت وزن شعر و به اقتضای کلام - به این صورت تضمینش کرده.

مثال ۲ چشم حافظ زیر بام قصر آن حوری سرشت شیوه «جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» داشت

عبارت «جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» کلماتی از آیه ۸ سوره البقره (فِرَاتُهُمْ مِنْ تَحْتِهَا جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ قَالِينَ فِيهَا أَبَدًا...) به حساب می‌آید که حافظ اون‌ها رو از این آیه انتخاب کرده و با استفاده از «تضمین»، توی سخن خودش آورده.

نمونه‌هایی از تضمین

- ✦ عاکفان کعبه جلاش، به تقصیر در عبادت معترف که «ما غبَدناكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ».
- ⊕ تضمین حدیث در این عبارت از «سعدی».
- ✦ گفت: غالب اشعار او (سعدی) در این زمینه به پارسی است. اگر بگویی، به فهم نزدیک‌تر باشد. «كَلَّمَ النَّاسَ عَلَي قَدْرِ عَقُولِهِمْ».
- ⊕ تضمین حدیثی از امام علی (ع) در این عبارت از «سعدی». [معنی حدیث: «با مردم به اندازه عقل و درکشان سخن بگو.»]
- ✦ بهر این فرمود رحمان ای پسر! «كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِی شَأْنٍ» ای پسر!
- ⊕ «مولانا» در مصراع دوم این بیت خود، بخشی از آیه ۲۹ سوره «الزحمن» (تَسْتَلْهُ مِن فِی السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِی شَأْنٍ) را تضمین کرده.
- ✦ زینهار از قرین بد، زنهارا! «وَ قِنَا زُنُنَا عَذَابَ النَّارِ»
- ⊕ تضمین بخشی از آیه ۱۹۱ سوره آل عمران (الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَ قَلْبًا جُنُوبِهِمْ وَ يَتَفَكَّرُونَ فِی خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ زُنُنًا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا شِبْهَاتِكَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ) در مصراع دوم این بیت.
- ✦ «حافظ» از جور تو حاشا که بگرداند روی «مَنْ از آن روز که در بند توام، آزادم»
- ⊕ مصراع دوم، در واقع مصراع اول این بیت «سعدی» است که «حافظ» آن را تضمین کرده:
- «مَنْ از آن روز که در بند توام، آزادم / پادشاهم که به دست تو اسیر افتادم»
- ✦ چه زخم چونای هر دم ز نوای شوق او دم؟! / که لسان غیب خوش‌تر بنوازد این نوا را
- «همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی / به پیام آشنایی بنوازد آشنا را»
- ⊕ بیت دوم از «حافظ» است که «شهریار» در این فزل خود، آن را تضمین کرده.
- ✦ «نه من! نقاب بگشا ز جمال کبریایی / که بتان فروگذارند اساس خودنمایی
- شده انتظارم از حد، چه شود ز در دریایی؟ / ز دو دیده خون فشام ز غمت شب جدایی
- «چه کنم که هست این‌ها گل باغ آشنایی»
- ⊕ بیت «ز دو دیده خون فشام ز غمت شب جدایی» چه کنم که هست این‌ها گل باغ آشنایی» بیتی از یک فزل «فخرالدین عراقی» است که «هاتف اصفهانی» آن را در این مسقط خود تضمین کرده.
- ✦ مکن گریه بر گور مقتول دوست / قَلِّ الْحَمْدَ لَهُ كَمَا مَقْبُولِ اَوْسْت
- ⊕ تضمین بخشی از آیه اول سوره «فاتحه» (الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ) در مصراع دوم این بیت از «سعدی».

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

(سراسری تجربی ۸۶)

۱۷۸- «مراعات‌نظیر» در همه گزینه‌ها وجود دارد به‌جز

- ۱) تو قد بینی و مجنون جلو ناز
- ۲) چو خامه در ره فرمان او سر طاعت
- ۳) آن پریشانی شب‌های دراز و غم دل
- ۴) هر چه زان تلخ‌تر بخواهد گفت

(سراسری ریاضی ۸۵)

۱۷۹- کدام بیت به داستان حضرت ابراهیم (ع) اشاره دارد؟

- ۱) بیامد دو صد مرد آتش‌فروز
- ۲) سیلوش سیه را به تندی بتاخت
- ۳) چو از کوه آتش به هامون گذشت
- ۴) چو بخشایش پاک‌یزدان بود

۱۸۰- شاعر در کدامیک از ابیات زیر، از آرایه «تضمین» در سخن خود سود جسته است؟

- ۱) به تیره‌شب ز جام می به کف ایغ داردا
- ۲) دارم من از فراقش در دیده صد علامت
- ۳) گفته بودی جگرم خون نکنی باز کجایی؟!
- ۴) رشته صبرم به مقرض غمت بیریده شد

۱۸۱- در تمامی بیت‌های زیر به‌جز آرایه ادبی «مراعات نظیره» (تناسب) به کار رفته است.

- | | |
|---------------------------------------|---------------------------------------|
| ۱) پند ناصح می‌کند تأثیر اگر باد بهار | از دماغ بلبلان بیرون برد سودای گل |
| ۲) ما خود نمی‌رویم دوان در قضای کس | آن می‌برد که ما به کمند وی اندریم |
| ۳) ده در شود گشاده، شود بسته چون دری | انگشت ترجمان زبان است لال را |
| ۴) عمر باقی در زوال عمر قاتی بسته است | قطره چون واصل به دریا گشت دریا می‌شود |

۱۸۲- در کدام بیت، آرایه «تلمیح» به کار رفته است؟

- | | |
|----------------------------------------|--------------------------------------|
| ۱) از روان بخشی عیسی نزنم دم هرگز | زان که در روح‌فزایی چو لبت ماهر نیست |
| ۲) جسم خاک از عشق بر افلاک شد | کوه در رقص آمد و چالاک شد |
| ۳) یادی بکن به مردمی از بنده پیش از آن | گویند مردمان که فلان گویا نبود |
| ۴) شبگیر غم بود و شبیخون بلا بود | هر روز عاشورا و هر جا کریلا بود |

۱۸۳- در همه ابیات زیر به‌جز آرایه «تلمیح» وجود دارد.

- | | |
|-------------------------------------------|-------------------------------------|
| ۱) شعر اگر اعجاز باشد، بی بلند و پست نیست | در ید بیضا همه انگشت‌ها یکدست نیست |
| ۲) من جرعه‌نوش بزم تو بودم هزار سال | کی ترک آب‌خورد کند طبع خوگرم؟! |
| ۳) علاج درد مشتاقان طبیب عام نشناسد | مگر لیلی کند درمان غم مجنون شیدا را |
| ۴) عیش شیرین را بود در چاشنی صد چشم شور | برگ، صائب! بیشتر از بار می‌ماند مرا |

۱۸۴- در همه بیت‌ها، آرایه «تضمین» به کار رفته است به‌جز

- | | |
|--------------------------------------|------------------------------------|
| ۱) آن پر اکتون در نگارستان چیلشت | اطلبوا العلم و لو بالظنین از ایشنت |
| ۲) نام احمد چون حصاری شد حصین | تا چه باشد ذات آن روخ‌الأمین |
| ۳) خیز تا خاطر بدان ترک سمرقندی دهیم | کز نسیمش بوی جوی مولیان آید همی |
| ۴) یساریات در تو فزاید نه اندرو | گفت حق این تنصروا الله تنصروا |

۱۸۵- در کدام یک از بیت‌های زیر، آرایه «تضمین» وجود ندارد؟

- | | |
|-------------------------------------|---------------------------------------|
| ۱) من همی گویم برو جفت القلم | زان قلم بس سرنگون گرده علم |
| ۲) نغمه لیل شیراز نرفته‌ست ز یادم | دوستان عیب‌کنندم که چرا دل به تو دادم |
| ۳) شده انتظارم از حد چه شود ز درآیی | ز دو دیده خون فشانم ز غمت شب جدایی |
| ۴) شهریار! اگر آیین محبت باشد | چه حیاتی و چه دنیای بهشت‌آیینی! |

۱۸۶- در همه ابیات زیر، آرایه «تلمیح» مشهود است به‌جز

- | | |
|----------------------------------------|-------------------------------------|
| ۱) به امزش وجود از عدم نقش بست | که داند جز او کردن از نیست، هست؟! |
| ۲) به ملامت نبرند از دل ما صورت عشق | نقش بر سنگ نبشته است به طوفان تروید |
| ۳) تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی | تو نمایندۀ فضلی، تو سزاوار ثنایی |
| ۴) عنکبوتی را به حکمت نام داد | صدر عالم را در او آرام داد |

۱۸۷- در کدام یک از بیت‌های زیر، آرایه «تلمیح» به کار رفته است؟

- | | |
|----------------------------------------|----------------------------------------|
| ۱) چون ز چاهی می‌گنی هر روز خاک | عاقبت اندر رسی در آب پاک |
| ۲) گر نور عشق حق به دل و جانت لوفتد | بالله کز اقتاب فلک خوبتر شوی |
| ۳) گر خلق تکیه بر عمل خویش کرده‌اند | ما را بس است رحمت و فضل تو متکا |
| ۴) در غمت گرفت خسرو از جهان عمر تو باد | لیک خواهد خواست روز محشر از دست تو داد |

۱۸۸- در تمامی گزینه‌های زیر از آرایه «تلمیح» استفاده شده است به‌جز

- | | |
|---------------------------------------------|-----------------------------------------|
| ۱) طوفان نوح را به نظر درنیابرد | شور محبتی که در آب و گل من است |
| ۲) دلا! بیزار شو از جان اگر جانان همی‌خواهی | که هر کو شمع جان جوید غم جانان نمی‌بینم |
| ۳) اندر ضمیر دل‌ها گنجی نهان نهادند | از دل اگر برآید، در آسمان نکتجد |
| ۴) ما چون ز خرابیات جهان پاک برآیم؟! | کآلوده بیرون رفت ز جثت پدر ما |

۱۸۹- در همه بیت‌های زیر به‌جز آرایه «تضمین» مشهود است.

- | | |
|--------------------------------------|--------------------------------|
| ۱) تو ز قرآن بازخوان تفسیر بیت | گفت ایزده ما رمیبت از رمیت |
| ۲) خواهد به سر آید شب هجران تو یا نه | ای تیر غمت را دل عشق نطفانه |
| ۳) یک سبب انگیخت صنوع ذوالجلال | که رهانیدش ز نفرین و وصال |
| ۴) به شهر عشق منم شهریار و چون حافظ | منم که شهره شهرم به عشق‌ورزیدن |

۱۹۰- در کدام بیت، «تلمیح» به کار رفته است؟

- ۱) ز سر تا نگیری، بر لب میاور گفتگوی حق
- ۲) نعمت شود زیاده به قدر زبان شکر
- ۳) تسبیح گوی او نه بنی آدم‌اند و بس
- ۴) صورت من همه او شد، صفت من همه او

که منصور این سخن را بر فراز دار می‌گوید
نخلی است این، که ریشه آن در دهان توست
هر بلیلی که زمزمه بر شاخسار کرد
لاجرم کس من و من نشنود اندر سختم

(سراسری ریاضی ۹۲)

۱۹۱- در مصراع اول بیتی که «تلمیح» یا «تمثیل» ندارد، چند استعاره به کار رفته است؟

- | | |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <ol style="list-style-type: none"> ۱) چنین گفت پینمبر راست‌گوی ۲) چه گفت آن سخن‌گوی پاسخ‌نیوش ۳) یگسرتد کافور بر جای مشک ۴) آسمان بار امانت نتوانست کشید | <ol style="list-style-type: none"> ۱) ز گهواره تا گور ذاتش بجوی (یکی) ۲) که دیوار دارد به گفتار گوش (یکی) ۳) گل و ارغوان شد به پالیز خشک (دوتا) ۴) قرعه کار به نام من دیوانه زدند (دوتا) |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|

(سراسری ریاضی ۸۹)

۱۹۲- در کدام بیت، هر سه آرایه «کنایه»، «تشبیه»، «مراعات‌نظیر» وجود دارد؟

- | | |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <ol style="list-style-type: none"> ۱) چشم از پی آن باید تا چیز عجب بیند ۲) چون چند بود اصلش، کی صورت باز آید؟ ۳) در گوهر جان بنگر اندر صدف این تن ۴) مسکین دل آواره آن گم‌شده آوازه | <ol style="list-style-type: none"> ۱) جان از پی آن باید تا عیش و طرب بیند ۲) چون سیر خورد مردم، کی بوی پیاز آید؟ ۳) کز دست گران‌جانی انگشت همی‌ساید ۴) چون بشنود این چاره، خوش رقص کنان آید |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|

(سراسری فارغ ۸۷)

۱۹۳- در کدام بیت، همه آرایه‌های «مراعات‌نظیر»، «استعاره»، «تشخیص»، «جناس» به کار رفته است؟

- | | |
|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <ol style="list-style-type: none"> ۱) آن‌که ندیده حسرتی در همه عمر خویشتن ۲) آن‌که به تیغ امتحان ریخت به خاک خون من ۳) غنچه نوش‌خند او سوخت به یک تبشیم ۴) خاک رهی گزیده‌ام، تا چه بزاید آسمان | <ol style="list-style-type: none"> ۱) کسی به شمار آورد حسرت بی‌شماره‌ام؟! کاش برای سوختن زنده کند دویارام ۲) ترگس نیم‌مست او کشت به یک اشاره‌ام ۳) جیب مهی گرفتارم، تا چه کند ستاره‌ام |
|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|

۱۹۴- در کدام بیت، غیر از «تشبیه»، «آرایه‌های استعاره با ذکر مشبّه»، «تشخیص»، «مراعات‌نظیر»، «کنایه»، «جناس»، نیز به کار رفته است؟ (سراسری انسانی فارغ ۸۵)

- | | |
|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <ol style="list-style-type: none"> ۱) شبی یاد دارم که چشم نخفت ۲) به یاد روی شیرین بیت می‌گفت ۳) دیدی که خون ناحق پروانه، شمع را ۴) شبی چون شبه روی شسته به قیر | <ol style="list-style-type: none"> ۱) شنیدم که پروانه با شمع گفت ۲) چو آتش تیشه می‌زد، کوه می‌سفت ۳) چندان امان نداد که شب را سحر کند؟! نه بهرام پیدا، نه کیوان، نه تیر |
|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|

(سراسری انسانی ۸۳)

۱۹۵- شاعر در کدام بیت، به مدد «مراعات‌نظیر» و «استعاره» و «تلمیح»، دو «کنایه» پدید آورده است؟

- | | |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <ol style="list-style-type: none"> ۱) گران کردند گوش گل پس آن‌که ۲) غمناک نباید بود از طمن حسود ای دل! ۳) از لعل تو گر یابم انگشتی زنهار ۴) مرا عجز و تو را بیداد دادند | <ol style="list-style-type: none"> ۱) به بلبل رخصت فریاد دادند ۲) شاید که چو واپیسی، خیر تو در این باشد ۳) صد ملک سلیمانم در زیر تگین باشد ۴) به هر کس هر چه باید داد دادند |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|

۱۹۶- در کدام یک از ابیات زیر، هر سه آرایه «تلمیح»، «تضمین»، «مراعات‌نظیر» به کار رفته است؟

- | | |
|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <ol style="list-style-type: none"> ۱) نبرد عقل در صفاتش راه ۲) «اشهد الله» گواه معرفتش ۳) نه از او زاد کس، نه او از کس ۴) بلبل گلستان ما اوحنی | <ol style="list-style-type: none"> ۱) نبود وهم را به ذاتش راه ۲) «وحده لا شریک له» صفتش ۳) قل هو الله دلیل و حجت بس ۴) شمس چرخ آسذی اسری |
|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|

۱۹۷- آرایه‌های «کنایه»، «تلمیح»، «مراعات‌نظیر»، «جناس»، «واج‌آرایی»، «تکرار» در همه گزینه‌های زیر وجود دارد، به جز

- | | |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <ol style="list-style-type: none"> ۱) نیست چون گل جوش من موقوف جوش نوبهار ۲) جلوه شبنم کند در دیده‌اش طوفان نوح ۳) به دشواری زلیخا داد از کف دامن یوسف ۴) جان شیرین به لب آورد به تلخی فرهاد | <ol style="list-style-type: none"> ۱) خون منصورم، خزان و نوبهار من یکی است ۲) هر گلستانی که سیراب از سحاب من شود ۳) به آسانی من از کف چون دهم دامن فرصت را؟ ۴) نه چو پرویز که کام از لب شیرین بگرفت |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|

۱۹۸- در کدام بیت، همه آرایه‌های «تشبیه»، «استعاره»، «مراعات‌نظیر»، «کنایه»، «موازنه»، «تلمیح» به کار رفته است؟

- | | |
|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <ol style="list-style-type: none"> ۱) اگر چو مرغ بنالم تو همچو سرو بیالی ۲) مجنون رخ لیلی چون قیس بنی‌عمر ۳) این لطایف کز لب لعل تو من گفتم که گفت؟ ۴) چشمی دارم چو لعل شیرین همه آب | <ol style="list-style-type: none"> ۱) وگر چو ابر بگیرم، تو همچو غنچه بخندی ۲) فرهاد لب شیرین چون خسرو پرویزم ۳) وین تطاول کز سر زلف تو من دیدم که دید؟ ۴) بختی دارم چو چشم خسرو همه خواب |
|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|



۱۹۹- آرایه‌های «استعاره، جناس، تشبیه، تلمیح، کنایه، مراعات‌نظیره» تماماً در کدام بیت دیده می‌شود؟

- (۱) جهان پیراست و بی‌بنیاد، از این فرهادکش فریاد
 (۲) دلی که غیب‌نمای است و جام جم دارد
 (۳) چون خضر شود سبز به هر جا که نهد پا
 (۴) حُسن دنیا عشق‌دیده را کجا افتد پسند؟

۲۰۰- در بیت زیر، کدام گروه از آرایه‌ها یافت نمی‌شود؟

- «چمن پرگهر شد ز باران زاله زمین پر گواکب ز یاقوت لاله»
 (۱) تشبیه، مراعات‌نظیر (۲) کنایه، مجاز (۳) استعاره، واج‌آرایی (۴) جناس، تکرار

۲۰۱- آرایه‌های ذکرونده در همه گزینه‌ها تماماً در بیت زیر به کار رفته است به‌جز.....

- «ای هدهد صبا! به سبا می‌فرستمت بنگر که از کجا به کجا می‌فرستمت»
 (۱) مراعات‌نظیر، واج‌آرایی، استعاره، جناس ناقص (۲) تلمیح، تشبیه، جناس ناقص، مراعات‌نظیر
 (۳) تشبیه، مجاز به علاقه‌مسابهت، تلمیح، تکرار (۴) تکرار، تضمین، مراعات‌نظیر، استعاره

۲۰۲- در کدام گزینه، به آرایه‌های به کار رفته در بیت زیر، به درستی اشاره شده است؟

- «دهان‌تنگ شیرینش مگر ملک سلیمان است که نقش خاتم لعش جهان زیر نگین دارد»
 (۱) تضمین، واج‌آرایی، کنایه، تشبیه (۲) استعاره یا ذکر مشتبّه، تشبیه، تضمین، مراعات‌نظیر
 (۳) کنایه، تلمیح، مراعات‌نظیر، جناس (۴) مجاز به علاقه‌مسابهت، تضمین، مجاز، تلمیح

۲۰۳- آرایه‌های درج‌شده در مقابل کدام بیت درست نیست؟

- (۱) قسمت‌ما چون گمان از صید خود خمیازه‌ای است هر چه داریم از برای دیگران داریم ما : تشخیص، مراعات‌نظیر
 (۲) یکی را به سر بر نهد تاج بخت یکی را به خاک آندر آرد ز تخت : تلمیح، جناس ناقص
 (۳) و آن که گیسوی تو را رسم تطاول آموخت هم تواند گرمش داد من مسکین داد : جناس تام، استعاره یا ذکر مشتبّه
 (۴) تجلی می‌کند هر دم به عالم شاهد حسش اگر دیدار می‌خواهی بی‌اور دیده بینا : تشبیه، اشتقاق

۲۰۴- آرایه‌های ذکرونده در مقابل همه ابیات درست است به‌جز.....

- (۱) ز یزدان دان نه از ارکان که کوتاه‌دینگی باشد که خطی کز خرد خیزد تو آن را از بنان بینی (واج‌آرایی، تلمیح)
 (۲) دل من سرفسر در آتش عشقش کباب او ز مستی قصد خونم داشت چشم نیم‌خواب او (کنایه، مجاز)
 (۳) پیام اهل دل است این خیر که سمدی داد: نه هر که گوش کند معنی سخن داند (تضمین، مراعات‌نظیر)
 (۴) در سینه هر غم‌زده پنهان همه او بین در دیده هر دل‌فنده پیدا همه او دان (موازنه، تکرار)

۲۰۵- آرایه‌های ذکرونده در برابر کدام گزینه تماماً درست است؟

- (۱) ز هر طرف به تظلم نیازمندی چند رخ نیاز بر آن خاک آستان دارد (اضافه استعاری - اشتقاق)
 (۲) فرخنده یاد طلعت خوبت که در ازل بپریده‌اند بر قد سرور قیای ناز (تشبیه فشرده - کنایه)
 (۳) بنشین بر لب جوی و گذر عمر بین کاین اشارت ز جهان گذران ما را بس (استعاره - تضمین)
 (۴) حرفی است این که خضر به آب بقا رسید زین چرخ دل‌سیه دم آبی ندید کس (مجاز - تلمیح)

۲۰۶- ترتیب ابیات زیر به لحاظ داشتن آرایه‌های «استعاره، تلمیح، جناس، مراعات‌نظیر، اشتقاق» کدام است؟

- الف) ای دل! مجوی سود ز سودای او که عشق بنیاد این معامله را بر زبان نهاد
 ب) ای سرو پای‌بسته! به آزاده‌گی مناز آزاده من که از همه عالم پریده‌ام
 پ) از خمستان جرعه‌ای بر خاک ریخت جنبشی در آدم و حوا نهاد
 ت) مکن تکلیف هم‌راهی به‌عالی سیل‌پادر گل! که دست از جان خود شستن به دریایم برد ما را
 ث) گل پیسکرت را چهل بامداد به دست خود از راه حکمت نوشت
- (۱) ب، پ، ث، الف (۲) پ، ث، ت، الف، ب (۳) ت، پ، ب، ث، الف (۴) الف، ت، پ، ث، ب

۲۰۷- ترتیب ابیات زیر به لحاظ دارا بودن آرایه‌های «تشبیه، جناس تام، موازنه، تلمیح، مراعات‌نظیر، واج‌آرایی» در کدام گزینه درست است؟

- الف) شیشه‌زده یک‌تو از سنگ ندارد خویشی هر شکستی که به هر کس برسد از خویش است
 ب) ناقه صالح چو ز که زاد یقین گشت مرا کوه پی مژده تو اشتر جفازه شود
 پ) دیده از دیدن نمی‌ماند دریغ دیده پوشیدن نمی‌داند دریغ
 ت) زابردست ساقی جسم‌خشکم لاله‌زاری شد که در دل هر چه دارد خاک از باران شود پیدا
 ث) نخستین گهر کافریدش خدای خرد بود گامد به حق رهنمای
 ج) لطف ز لفظ تو زاید چنان که در ز صدق شرف ز ذات تو خیزد چنان که زر ز تواب

- (۱) ت، الف، ج، ث، ب، ت (۲) ج، الف، پ، ب، ث، ت (۳) ت، پ، ج، ث، ب، الف (۴) ت، پ، ج، الف، ب، ث



۲۰۸- اگر ابیات زیر را به ترتیب داشتن یکی از آرایه‌های «استعاره، جناس، تلمیح، کنایه، تضمین، مجاز» از بالا به پایین تنظیم کنیم، کدام گزینه درست است؟

الف) شب وصل است و طی شد نامه هجر
 ب) آسایش دوگیتی تفسیر این دو حرف است
 پ) چون مرا سوی اجل عشق و هواست
 ت) چنان به فکر تو در خویشتن فرو رفتیم
 ث) چون برق و باد دولت دنیا سبکرو است
 ج) آسمان سست پی مرد شکوه عشق نیست

۱) ث، ت، ج، پ، الف، ب
 ۲) ج، الف، ب، ث، پ، ت
 ۳) ت، ج، پ، الف، ث
 ۴) ج، ت، پ، الف، ب، ث

۲۰۹- آرایه‌های درج شده در مقابل چند بیت از ابیات زیر درست است؟

الف) حضور خلوت اتس است و دوستان جمع‌اند
 ب) به خاک پر، مرو ای آدمی به نخوت و ناز
 پ) به مهلتی که سپهرت دهد ز راه مرو
 ت) گرچه سنگیم پی مهر تو چون موم شویم
 ث) دست خواهش چون صدف‌مگشای پیش خاکیان
 ج) دوش سیلاب غم تا به سر زانو بود

و آن یکاد بخوانید و در فراز کنید
 که زیر پای تو همچون تو آدمی زاد است
 تو را که گفت که این زال ترک دستان گفت؟
 گرچه شمعیم پی نور تو پروانه شویم
 هر چه می‌خواهد دلت از عالم بالا طلب
 امشب ای خواجه! چه تدبیر؟! که بگذشت زدوش

۱) سه
 ۲) دو
 ۳) چهار
 ۴) یک

۲۱۰- آرایه‌های ذکر شده در مقابل چند بیت نادرست است؟

الف) طیران مرغ دیدی تو ز پای بند شهوت
 ب) تا توانی خسروا دل را عمارت کن، از آنک
 پ) راه جستن ز تو، هدایت از او
 ت) ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم
 ث) دانه مردن مرا شیرین شده است
 ج) روز محشر که سر از خاک لحد بردارند

به در آی تا ببینی طیران آدمیت : جناس تام - اضافه استعاری
 در جهان کس را بنای آب و گل محکم نبود : استعاره - مجاز
 جهد کردن ز تو، عنایت از او : واج آرایی - ترصیح
 وز هر چه گفته‌اند و شنیدیم و خوانده‌ایم : تلمیح - مراعات نظیر
 بل هم احیاء پی من آمده است : تشبیه - تضمین
 همه را روی به سویی بود و من سویت : کنایه - جناس ناقص

۱) چهار
 ۲) دو
 ۳) یک
 ۴) سه

۱- **گزینه ۱:** وزن بیت، «مفعول مفاعیل مفاعیل فعلن» [هجای این بیت را به شکل «مستفعل مستفعل مستفعل مستفعل مستفعل مستفعل» در U-U-U-U-U-U-U-U-U-U نیز می‌توان تقسیم کرد.]

۲- **گزینه ۲:** وزن بیت، «مستفعلن مفاعیل مفاعیل فعلن» [هجای این بیت را به شکل «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن» در U-U-U-U-U-U-U-U-U-U نیز می‌توان تقسیم کرد.]

۳- **گزینه ۳:** تقطیع هجایی پایه‌های آوایی و وزن بیت،

گر	خ	د	پ	هـ	ث	د	پ	ر	ز	د	ک	ی	د	و	س
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
هـ	ر	ث	د	پ	هـ	ث	د	پ	ر	ز	د	ک	ی	د	و
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل

اشاره

هجای این بیت را به شکل «مفعول مفاعیل مفاعیل فعلن» در U-U-U-U-U-U-U-U-U-U نیز می‌توان تقسیم کرد.

۴- **گزینه ۴:** تقطیع هجایی پایه‌های آوایی و وزن بیت،

در	ق	ذ	پ	غ	ش	ق	چ	ن	ث	ث	ق	ر	د	خ	ت
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل

بررسی وزن سایر گزینه‌ها.

۱ «U-U-U-U-U-U-U-U-U-U» : مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

۲ «U-U-U-U-U-U-U-U-U-U» : مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن

۳ «U-U-U-U-U-U-U-U-U-U» : مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن

۵- **گزینه ۵:** تقطیع هجایی و وزن بیت، «U-U-U-U-U-U-U-U-U-U» مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن «هجای پایانی مصراع‌ها همواره بلند (-) است.»

بررسی وزن سایر گزینه‌ها.

۱ مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فعلن ۲ فعلن فعلن فعلن فعلن
۳ فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

۶- **گزینه ۶:** تقطیع هجایی و وزن مصراع، «U-U-U-U-U-U-U-U-U-U» مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن

بررسی وزن سایر گزینه‌ها.

۱ مفعول فاعلات مفعول فعلن ۲ مستفعل مستفعل مستفعل
مستفعل ۳ فعلن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

۷- **گزینه ۷:** تقطیع هجایی و وزن بیت،

کا	ر	ع	ق	ز	و	ل	ح	ج	ر	ا	ذ	ر	گ	ذ	ت
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن

وزن مشترک سایر گزینه‌ها، «U-U-U-U-U-U-U-U-U-U» : فاعلاتن مفاعیلن فعلن

۸- **گزینه ۸:** وزن بیت، مفعول فاعلات مفعول فعلن

بررسی وزن سایر گزینه‌ها.

۱ «U-U-U-U-U-U-U-U-U-U» : مفعول فاعلن مفعول فاعلن مفعول فاعلن مفعول فاعلن

۳ «U-U-U-U-U-U-U-U-U-U» : مفعول فاعلن مفعول فاعلن مفعول فاعلن مفعول فاعلن

۴ «U-U-U-U-U-U-U-U-U-U» : مفعول فاعلن مفعول فاعلن مفعول فاعلن مفعول فاعلن

۹- **گزینه ۹:** تقطیع هجایی و وزن بیت، «U-U-U-U-U-U-U-U-U-U» مفعول مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

۱۰- **گزینه ۱۰:** تقطیع هجایی و وزن بیت،

ا	ر	پ	س	ت	ف	ث	د	ف	ر	ا	ق	ی	ا	پ	گ	ش
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن

بررسی وزن سایر گزینه‌ها.

۱ «U-U-U-U-U-U-U-U-U-U» : مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن

۲ «U-U-U-U-U-U-U-U-U-U» : مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن

۳ «U-U-U-U-U-U-U-U-U-U» : مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن

۴ «U-U-U-U-U-U-U-U-U-U» : مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن

۱۱- **گزینه ۱۱:** تقطیع هجایی و وزن بیت،

تا	ک	ر	ز	ت	م	و	ر	ش	د	ک	ی	ر	ا	م	ی
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل

اشاره

هجای این بیت را می‌توان به صورت «U-U-U-U-U-U-U-U-U-U» : مفعول مفاعیل فاعلاتن نیز تقسیم‌بندی کرد.

وزن مشترک سایر گزینه‌ها، «U-U-U-U-U-U-U-U-U-U» : مستفعلن مفاعیل مستفعل یا «U-U-U-U-U-U-U-U-U-U» : مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن

۱۲- **گزینه ۱۲:** بررسی وزن سایر گزینه‌ها،

۱ «U-U-U-U-U-U-U-U-U-U» : مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن

۲ «U-U-U-U-U-U-U-U-U-U» : مستفعل مستفعل مستفعل مستفعل مستفعل مستفعل

مستفعل یا «مفعول مفاعیل مفاعیل فعلن» : «U-U-U-U-U-U-U-U-U-U»

۱۳- **گزینه ۱۳:** بررسی وزن سایر گزینه‌ها،

۱ «U-U-U-U-U-U-U-U-U-U» : مفعول مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

۲ «U-U-U-U-U-U-U-U-U-U» : فاعلاتن مفاعیلن فعلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

۳ «U-U-U-U-U-U-U-U-U-U» : مفعول مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

بررسی وزن سایر گزینه‌ها،

- ۱- $U - U - U - U - U - U - U - U - U$: مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن» (وزن همسان دولختی یا دوری)
 - ۲- $U - U - U - U - U - U - U - U - U$: فعلاّت فاعلاتن فعلاّت فاعلاتن» (وزن همسان دولختی یا دوری)
 - ۳- $U - U - U - U - U - U - U - U - U$: مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن» (وزن همسان دولختی یا دوری)
 - ۴- $U - U - U - U - U - U - U - U - U$: مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن» (وزن همسان دولختی یا دوری)
- ۳۴- **گزینه ۲** وزن بیت، « $U - U - U - U - U - U - U - U - U$ »: فعلاتن فعْلَن» (وزن همسان تک‌پایه‌ای یا تکراری)
 بررسی وزن سایر گزینه‌ها،

- ۱- $U - U - U - U - U - U - U - U - U$: مفعولٌ مفاعِلَن مفاعِلِن» یا « $U - U - U - U - U - U - U - U - U$: مستفعلٌ فاعلاّتٌ مستفعلٌ» (وزن ناهمسان)
 - ۲- $U - U - U - U - U - U - U - U - U$: مفعولٌ مفاعِلَن مفاعِلِن» یا « $U - U - U - U - U - U - U - U - U$: مستفعلٌ فاعلاّتٌ مستفعلٌ» (وزن ناهمسان)
 - ۳- $U - U - U - U - U - U - U - U - U$: مفعولٌ مفاعِلَن مفاعِلِن» یا « $U - U - U - U - U - U - U - U - U$: مستفعلٌ فاعلاّتٌ مستفعلٌ» (وزن ناهمسان)
 - ۴- $U - U - U - U - U - U - U - U - U$: مفعولٌ مفاعِلَن مفاعِلِن» یا « $U - U - U - U - U - U - U - U - U$: مستفعلٌ فاعلاّتٌ مستفعلٌ» (وزن ناهمسان)
- ۳۵- **گزینه ۳** وزن بیت، « $U - U - U - U - U - U - U - U - U$ »: مفاعِلن فَعَلاتِن مفاعِلن فَعَلاتِن» (وزن همسان دولختی یا دوری)
 وزن مشترک سایر گزینه‌ها، « $U - U - U - U - U - U - U - U - U$ »: مفاعِلن فَعَلاتِن مفاعِلن فَعَلاتِن» (وزن ناهمسان)
- ۳۶- **گزینه ۴** وزن مشترک بیت سؤال و ابیات گزینه ۴، « $U - U - U - U - U - U - U - U - U$ »: مفاعِلن فَعَلاتِن مفاعِلن فَعَلاتِن»
 بررسی وزن سایر ابیات، بیت «الف»، « $U - U - U - U - U - U - U - U - U$ »: فاعلاتن فَعَلاتِن فَعَلن» (وزن همسان)
- بیت «ت»، « $U - U - U - U - U - U - U - U - U$ »: فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» (وزن همسان)
- ۳۷- **گزینه ۲** بررسی وزن ابیات، بیت «الف»، « $U - U - U - U - U - U - U - U - U$ »: مفاعِلن مفاعِلن مفاعِلن مفاعِلن» (وزن همسان تک‌پایه‌ای یا تکراری)
- بیت «ب»، « $U - U - U - U - U - U - U - U - U$ »: مفعولٌ مفاعِلن مفعولٌ مفاعِلن مفعولٌ مفاعِلن» (وزن همسان دولختی یا دوری)
- بیت «پ»، « $U - U - U - U - U - U - U - U - U$ »: فاعولن فاعولن فاعولن فاعولن» (وزن همسان تک‌پایه‌ای یا تکراری)
- بیت «ت»، « $U - U - U - U - U - U - U - U - U$ »: مفعولٌ فاعلاّتٌ مفعولٌ فاعلاّتٌ مفعولٌ فاعلاّتٌ مفعولٌ فاعلاّتٌ» (وزن ناهمسان)
- بیت «ث»، « $U - U - U - U - U - U - U - U - U$ »: مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن» (وزن ناهمسان)
- ۳۸- **گزینه ۳** بررسی وزن ابیات، بیت «الف»، « $U - U - U - U - U - U - U - U - U$ »: مفعولٌ مفاعِلن مفعولٌ مفاعِلن» (وزن همسان دولختی یا دوری)
- بیت «ب»، « $U - U - U - U - U - U - U - U - U$ »: مفعولٌ فاعلاّتٌ مفعولٌ فاعلاّتٌ مفعولٌ فاعلاّتٌ مفعولٌ فاعلاّتٌ» (وزن ناهمسان)
- مفاعِلٌ فاعلن» یا « $U - U - U - U - U - U - U - U - U$ »: مستفعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن» (وزن ناهمسان)
- بیت «ت»، « $U - U - U - U - U - U - U - U - U$ »: مفعولٌ فاعلاّتٌ مفعولٌ فاعلاّتٌ مفعولٌ فاعلاّتٌ مفعولٌ فاعلاّتٌ» (وزن ناهمسان)
- بیت «ج»، « $U - U - U - U - U - U - U - U - U$ »: مفتعلن فاعلاّتٌ مفتعلن فاعلاّتٌ مفتعلن فاعلاّتٌ مفتعلن فاعلاّتٌ» (وزن ناهمسان)
- ۳۸- **گزینه ۳** بررسی وزن ابیات، بیت «الف»، « $U - U - U - U - U - U - U - U - U$ »: مفعولٌ مفاعِلن مفعولٌ مفاعِلن» (وزن همسان دولختی یا دوری)
- بیت «ب»، « $U - U - U - U - U - U - U - U - U$ »: مفعولٌ فاعلاّتٌ مفعولٌ فاعلاّتٌ مفعولٌ فاعلاّتٌ مفعولٌ فاعلاّتٌ» (وزن ناهمسان)
- مفاعِلٌ مستفعلن فَعَلن» (وزن ناهمسان)
- بیت «پ»، « $U - U - U - U - U - U - U - U - U$ »: مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن» (وزن ناهمسان)
- مفاعِلن مفتعلن مفاعِلن» (وزن همسان دولختی یا دوری)
- بیت «ت»، « $U - U - U - U - U - U - U - U - U$ »: فاعلاتن مفاعِلن فَعْلَن» (وزن ناهمسان)
- بیت «ث»، « $U - U - U - U - U - U - U - U - U$ »: مفعولٌ مفاعِلن مفعولٌ مفاعِلن مفعولٌ مفاعِلن مفعولٌ مفاعِلن»

مفاعِلٌ مفاعِلن مفاعِلن» (فعالن)، یا « $U - U - U - U - U - U - U - U - U$ »: مستفعلٌ مستفعلٌ مستفعلٌ مستفعلٌ» (وزن ناهمسان)

۳۹- **گزینه ۳** وزن مشترک ابیات «ب» و «ج»، « $U - U - U - U - U - U - U - U - U$ »: مفعولٌ مفاعِلن مفاعِلن مفاعِلن مفاعِلن» (فعالن)، یا « $U - U - U - U - U - U - U - U - U$ »: مستفعلٌ مستفعلٌ مستفعلٌ مستفعلٌ» (وزن مشترک ابیات «پ» و «ت»، « $U - U - U - U - U - U - U - U - U$ »: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن»

بررسی وزن سایر ابیات، بیت «الف»، « $U - U - U - U - U - U - U - U - U$ »: مفعولٌ مفاعِلن مفاعِلن مفاعِلن مفاعِلن» (فعالن)، یا « $U - U - U - U - U - U - U - U - U$ »: مستفعلٌ فاعلاّتٌ مستفعلٌ فاعلاّتٌ مستفعلٌ فاعلاّتٌ مستفعلٌ فاعلاّتٌ مستفعلٌ فاعلاّتٌ مستفعلٌ فاعلاّتٌ مستفعلٌ فاعلاّتٌ»

۴۰- **گزینه ۲** تقطیع هجایی و وزن بیت،

خا کی د	نم پ گم د	و صا نش ک	جا ر شد
U	U	U	U
U	U	U	U

شر گلف ج	می د ود پ	خد یا نش گ	جا ر شد
U	U	U	U
U	U	U	U

مفعول	فاعلاّت	مفاعِلن	فاعلن
-------	---------	---------	-------

اشاد

هجاهای این شعر را می‌توان به شکل $U - U - U - U - U - U - U - U - U$: مستفعلن مفاعِلٌ مستفعلن فَعْلن» نیز تقسیم کرد.

۴۱- **گزینه ۳** تقطیع هجایی و وزن بیت،

عِف ق ک	ب فند شو ر	ک هُن جایی	بی ت	دز من
U	U	U	U	U
U	U	U	U	U

یا زب ج	ش و د تا ز	ب طُغ را چ	بی ت	تا ند
U	U	U	U	U
U	U	U	U	U

مستفعل	مستفعل	مستفعل	مستفعل
--------	--------	--------	--------

اشاد

هجاهای این شعر را می‌توان به شکل $U - U - U - U - U - U - U - U - U$: مفعولٌ مفاعِلن مفاعِلن مفاعِلن مفاعِلن مفاعِلن» نیز تقسیم کرد.

۴۲- **گزینه ۴** تقطیع هجایی و وزن بیت،

اَ گم پ ز	م غ قی	شُد دَش ک	فَن ج	غ جَب
U	U	U	U	U
U	U	U	U	U

ک مِه ر	خا ت م ل	ل هُت هُت هُت	هَ ج غ قیق
U	U	U	U
U	U	U	U

مفاعِلن	مفاعِلن	مفاعِلن	مفاعِلن
---------	---------	---------	---------

۴۳- **گزینه ۳** تقطیع هجایی و وزن بیت،

بی روای ج	هی م ش خا	ش از یز م	صو ف یای
U	U	U	U
U	U	U	U

غارت گ	تی م با د	و شا هَد پ	بَر کِ شیم
U	U	U	U
U	U	U	U

مفعول	فاعلاّت	مفاعِلن	فاعلن
-------	---------	---------	-------

اشاد

هجاهای این شعر را می‌توان به شکل $U - U - U - U - U - U - U - U - U$: مستفعلن مفاعِلٌ مستفعلن فَعْلن» نیز تقسیم کرد.

بررسی سائزگرنه‌ها

۱- تضمین: -

۲ بیت از «حافظ» است و مصراع دوم آن نیز، از خود «حافظ» است که به زبان عربی سروده. [بیت‌هایی را که به دو زبان فارسی و عربی سروده می‌شوند، در اصطلاح ادبی، «ملغ» می‌گویند.]

۳ تضمین: -

۱۸۱- کزینه ۲ بررسی سائزگرنه‌ها

۱ مراعات نظیر: «بهار، گل، گل» / «گل، بلبل»

۲ مراعات نظیر: «انگشت، زبان» (مجموعه اعضای بدن) / «زبان، لال»

۳ مراعات نظیر: «قطره، دریا»

۱۸۲- کزینه ۳ بررسی سائزگرنه‌ها

۱ تلمیح به «ماجرای دم جان‌بخش حضرت عیسی مسیح ﷺ» که در ادب فارسی، با عنوان «نفس مسیحایی» معروف شده. (حضرت عیسی ﷺ با نفس جان‌بخش خود به مردگان حیات می‌بخشید.)

۲ تلمیح به «ماجرای تجلی خداوند بر کوه طور به خواست حضرت موسی ﷺ و شکافته شدن و از هم پاشیدن کوه و بیهوش شدن حضرت موسی ﷺ یا دیدن آن و ...»

۳ تلمیح به حدیث مشهور «كُلُّ يَوْمٍ عاشورا و كُلُّ أرضٍ كربلاء» هر روز عاشورا و هر زمینی کربلاست.

۱۸۳- کزینه ۴ واژه «شیرین» در این بیت به معنای «مژه شیرین» است و وجود آن در بیت، به ماجرای «خسرو و شیرین و ...» اشاره ندارد.

بررسی سائزگرنه‌ها

۱ تلمیح به «ید بیضا» (دست‌های نورانی) به عنوان یکی از معجزات حضرت موسی ﷺ

۲ تلمیح به «رانده شدن شیطان از درگاه خداوند با وجود آن که هزاران سال به عبادت خدا مشغول بود».

۳ تلمیح به «ماجرای عاشقانه لیلی و مجنون و ناکام ماندن عشق آنان»

۱۸۴- کزینه ۲ وجود لقب عربی «روح‌الأمین» در بیت، «تضمین» به شمار نمی‌رود. [در «تضمین»، شاعر یا نویسنده بخشی از «آید، حدیث، مصراع و یا بیتی از یک شاعر یا نویسنده دیگر را در حین سخن خود می‌آورد.»]

بررسی سائزگرنه‌ها

۱ حدیث «أَطْلَبُوا الْعِلْمَ وَ تَوَالَّيْنِ: علم را بجوید اگرچه در چین باشد» از پیامبر ﷺ است که «مولانا» آن را در این بیت خود تضمین کرده است.

۲ عبارت «بوی جوی مولیان آید همی» مصراع اول این بیت «رودکی» است: «بوی جوی مولیان آید همی / یاد یار مهربان آید همی ...» که «حافظ» آن را در این بیت خود تضمین کرده است ...

۳ عبارت «ان تنصروا الله تنصروا» بخشی از آیه قرآن است که «مولانا» آن را در این بیت خود تضمین کرده است.

۱۸۵- کزینه ۴ بررسی سائزگرنه‌ها

۱ عبارت «جف القلم» بخشی از آیه «جَفَّ الْقَلَمُ بِمَا هُوَ كَائِنٌ» است که «مولانا» آن را در این بیت خود تضمین کرده است.

۲ مصراع دوم، در اصل مصراعی از «سعدی» است که «شهریار» آن را در این بیت خود تضمین کرده است.

۳ مصراع دوم، در اصل مصراعی از «فخرالدین عراقی» است که «هاتف اصفهانی» آن را در این بیت خود تضمین کرده است.

[مطلع فزل «فخرالدین عراقی» چنین است: «ز دو دیده خون فشام ز فغمت شب جدایی / چه کنم که هست این‌ها گل باغ آشنایی ...»]

۱۷۸- کزینه ۴ بررسی سائزگرنه‌ها

۱ مراعات نظیر: «چشم، نگاه»

۲ مراعات نظیر: «خامه (قلم)، تیغ» [با توجه به این که «قلم» را با «تیغ» می‌تراشند] / «فرمان، طاعت»

۳ مراعات نظیر: «پرشانی، قم»

۱۷۹- کزینه ۴ بیت تلمیح دارد به «ماجرای در آتش افکندن حضرت ابراهیم ﷺ به دستور نمرود و گلستان شدن آتش بر او به امر خداوند».

[عبارت «دم آتش و آب یکسان بود» بیان‌کننده «سرد شدن آتش» است.] / هر چهار بیت، از داستان «سیاوش» (در شاهنامه فردوسی) انتخاب شده. در این داستان، سودابه (مادر ناتنی سیاوش) - همانند «زلیخا» - به «سیاوش» تهمت ناروا می‌زند و سیاوش نیز به دستور

پدرش کیکاووس پادشاه، برای اثبات بی‌گناهی خویش از میان کوهی از آتش که دود (دویست) مرد آتش‌فروز آن را مهتا کرده‌اند عبور می‌کند و همچون ابراهیم ﷺ، به سلامتی از آتش بیرون می‌آید و ...

۱۸۰- کزینه ۳ مصراع دوم از «سعدی» است که «شهریار» آن را در این بیت خود تضمین کرده است. [مطلع فزل «سعدی» چنین است: «من ندانستم از اول که تو بی مهر و وفایی / عهد نایستن از آن به که بندی و نپایی / دوستان عیب‌کنندم که چرا دل به تو دادم / باید اول به تو گفتن که چنین خوب چرایی ...»]

۱) تلمیح به آیه ﴿إِذَا أَرَادَ اللَّهُ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾: هنگامی که خدا بخواهد چیزی را ایجاد کند، اگر به آن بگوید باش پس می‌باشد.

۲) تلمیح به صفات خداوند یعنی «حکیم، عظیم، کریم، رحیم» و آیاتی که در این باره وجود دارد (در مصراع اول) / تلمیح به آیه ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾: «سیاس و ستایش مخصوص خداست...» (در مصراع دوم)

۳) تلمیح به «ماجرای توطئه کفار برای قتل پیامبر ﷺ و این که پیامبر به فاری پناه برد و به اذن خداوند بر در آن فار، عنکبوتی به تنیدن تار پرداخت تا به این ترتیب، پیامبر از توطئه کفار در امان بماند.»

۱۸۷ - کتیبه ۳: تلمیح به آیه ﴿فَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾: «هر کس به خداوند تکیه کند، خداوند برای او کافی و بس است.»

(بررسی سبک‌گزینی هجا) در سایر ابیات، تلمیح به کار نرفته است. [«خسرو» در بیت ۴، لقب پادشاه وقت است و به ماجرای عاشقانه «خسرو و شیرین» اشاره‌ای ندارد.]

۱) تلمیح به «ماجرای طوفان نوح و گرفتارشدن قوم نوح به عذاب خداوندی و کشتی‌ساختن حضرت نوح ﷺ به امر خداوند برای نجات افراد صالح قوم خود»

۲) تلمیح به ماجرای آفرینش انسان و به ودیعه نهادن عشق در وجود انسان و آیه ﴿إِنَّا غَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾: «همانا ما بار امانت الهی را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم، پس از پذیرش آن ابا کردند و سر باز زدند و هراسناک بودند و حمل آن را انسان بر عهده گرفت؛ همانا که او بسیار ظلم‌کننده به خود و نادان است.»

۳) تلمیح به «ماجرای رانده‌شدن آدم و حوا از بهشت به دلیل سرپیچی از فرمان خداوند و نزدیک‌شدن به درخت ممنوعه»

۱۸۹ - کتیبه ۳: وجود عبارت عربی «ذوالجلال» در این بیت، «تضمین» به شمار نمی‌رود.

۱) عبارت «ما زمیث اذ زمیث» بخشی از آیه ﴿وَمَا زَمِيثٌ اذ زَمِيثٌ وَلَكِنَّ اللَّهَ زَمِيٌّ﴾: «تو نبودی که تیر انداختی و این خدا بود که تیر انداخت» است که «مولانا» آن را در این بیت خود تضمین کرده است.

۲) مصراع دوم از «خیالی بخارایی» (شاعر قرن ۹ هـ.) است که «شیخ بهایی» آن را در این بیت خود تضمین کرده است.

۳) مصراع دوم از «حافظ» است که «شهریار» آن را در این بیت خود تضمین کرده است.

۱) تلمیح به ماجرای حسین بن منصور حلاج (عارف نامی) که به دلیل تفکرات عرفانی و نیز سخن معروف خود یعنی «أنا الحق»، به توطئه مخالفان و کژاندیشان به دار آویخته شد.

۲) تلمیح به آیه ﴿لَنْ نَشْكُرَكَ لِأَرْبَابِنَا...﴾: «اگر خدا را شکر و سپاس گوئید، بر نعمت شما می‌افزایم...»

۳) تلمیح به آیه ﴿يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...﴾: «هر آنچه در آسمان‌ها و زمین است به تسبیح و ستایش خداوند مشغول است...»

۱۹۱ - کتیبه ۳: در این بیت، «تلمیح» یا «تمثیل» به کار نرفته است. / استعاره: ۱- کافور: استعاره از «موی سفید» ۲- مشک:

استعاره از «موی سیاه»

۱) تلمیح به حدیث «أطلبوا العلم من القهد إلى الأحد: علم و دانش را از گهواره (تولد) تا لحظه مرگ بجویید.»

۲) مصراع دوم، تمثیل (ضرب‌المثل) است.

۳) تلمیح به «ماجرای به ودیعه نهادن عشق به عنوان بار امانت الهی در وجود انسان» و آیه ﴿إِنَّا غَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾: «همانا ما بار امانت الهی را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم، پس از پذیرش آن ابا کردند و سر باز زدند و هراسناک بودند و حمل آن را انسان بر عهده گرفت؛ همانا او بسیار ظلم‌کننده به خود و نادان است.»

۱۹۲ - کتیبه ۳: کنایه: ۱- «گران‌جانی» کنایه از «پیری، استقامت»

۲- «انگشت‌ساییدن» کنایه از «دریغ و افسوس خوردن» / تشبیه (تشبیه بلیغ اضافی): ۱- گوهر جان (مشبه: جان / مشبه: گوهر) ۲- صدف تن (مشبه: تن / مشبه: صدف) / مراعات‌نظیر (تناسب):

«گوهر، صدف»، «جان، تن»، «دست، انگشت»

۱۹۳ - کتیبه ۴: مراعات‌نظیر (تناسب): آسمان، مه (ماه)، ستاره / استعاره: ۱- «مه» استعاره از «معشوق» (استعاره با ذکر مشبه) ۲- نسبت‌دادن عمل «زادن» به «آسمان» استعاره با ذکر مشبه و

«تشخیص» است. / جناس ناقص اختلاقی: رهی، مهی

۱۹۴ - کتیبه ۴: تشبیه: شب چون شبه (سنگ سیاه براق) روی به قیر شسته / نسبت‌دادن «روی» (چهره) و نیز عمل «روی‌شدن»

به «شب» استعاره با ذکر مشبه و «تشخیص» است. / مراعات‌نظیر (تناسب): «شبه قیر»، «بهرام، کیوان، تیر» (مجموعه اجرام آسمانی) / کنایه: «روی به قیر شدن» کنایه از «تیره و تار بودن» /

جناس ناقص اختلاقی: «قیر، تیر»، «شب، شبه»

۱۹۵ - کتیبه ۳: استعاره: «لعل» استعاره از «لب سرخ معشوق» (استعاره با ذکر مشبه) / مراعات‌نظیر (تناسب): «لعل، نگین»،

«نگین: انگشتری، سلیمان» / تلمیح: اشاره به «ماجرای پادشاهی حضرت سلیمان ﷺ و انگشتری آن حضرت که نشانه فرمانروایی و حکومت پرشکوه او بود» / کنایه: ۱- «انگشتری زنهار یافتن از لعل معشوق» کنایه از «امکان دسترسی داشتن به لب معشوق، بهره‌مندی از معشوق» ۲- «در زیر نگین داشتن چیزی» کنایه از

«تحت تسلط و در اختیار داشتن چیزی»

۱۹۶ - کتیبه ۳: تلمیح: مصراع اول اشاره دارد به آیه ﴿لَمْ يَكُن لَكُمْ وَالِدٌ وَلا يَتَّوَلَّكُمْ﴾: «زاده و از کس زاده نشده است» / تضمین: عبارت «قل هو الله» بخشی است از آیه ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾: «بگو که او خداوند یکتاست» که در

مصراع دوم تضمین شده است. / مراعات‌نظیر (تناسب): «دلیل، حجت»

۱) تلمیح: اشاره دارد به حدیث «لا یدرکه بعد الهمم و لا ینالُه فَوْضُ الْيَطْنِ: نهایت گمان‌ها و اندیشه‌ها او را درک نمی‌کند و عمق فکر و هوش به خداوند (ماهیت خداوند) نمی‌رسد» / تضمین: /

مراعات‌نظیر (تناسب): «عقل، وهم»

۲) تلمیح: / تضمین: تضمین بخشی از تشهد نماز (شهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له...) در مصراع‌های اول و دوم / مراعات‌نظیر (تناسب): /

۳) تضمین: / تلمیح: ۱- «ما اوحى» (اشاره دارد به آیه ﴿أَتْلُ مَا أُوْحِيَ إِلَيَّ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمُ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ...﴾) ۲- «الذی أسرى» (اشاره دارد به آیه ﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى...﴾) /

مراعات‌نظیر (تناسب): «گلستان، بلیل»

۱۹۷- **گزیده ۲** کنایه: «برپا شدن طوفان نوح در دیده کسی» کنایه از «اشکبار شدن چشم کسی» / تلمیح: اشاره به «ماجرای طوفان نوح» و کشتی ساختن آن حضرت به امر خداوند برای نجات افراد صالح قوم خود» / مراعات نظیر (تناسب): «طوفان، سحاب» / جناس ناقص: در، هر / واج آرایی: تکرار صامت‌های «ن» (۶ بار) و «ه» (۵ بار) / تکرار: -

بررسی سایر کتب هلا

۱ کنایه: «یکی بودن خزان و نوبهار کسی» کنایه از «در فم و اندوه دائمی به سر بردن کسی» / تلمیح: اشاره به «ماجرای به دار آویخته شدن حسین بن منصور حلاج (عارف نامی)» / مراعات نظیر (تناسب): «گل، نوبهار»، «نوبهار، خزان» / جناس ناقص: چون، خون / واج آرایی: تکرار صامت «ن» (۹ بار) / تکرار: جوش، من، نوبهار

۲ کنایه: «دامن کسی را از کف دادن» کنایه از «از دست دادن کسی، محروم ماندن از کسی» / تلمیح: اشاره به «ماجرای عشق‌ورزی‌های زلیخا به حضرت یوسف» / مراعات نظیر (تناسب): «زلیخا، یوسف» / جناس ناقص: دامن، دامان / واج آرایی: تکرار صامت‌های «ه» (۶ بار) و «ن» (۵ بار) و مصوّت بلند «ه» (۹ بار) / تکرار: از، کف

۳ کنایه: «جان به لب آوردن» کنایه از «مردن» / تلمیح: اشاره به «ماجرای عاشقانه خسرو و شیرین و ناکام ماندن فرهاد در عشق به شیرین» / مراعات نظیر (تناسب): «شیرین، فرهاد، خسرو»، «شیرین، تلخی» / جناس تام: شیرین (اؤل)، مژه شیرین، لذیذ و دوست‌داشتنی: شیرین (دوم)، معشوقه خسرو / واج آرایی: تکرار صامت «ب» (۵ بار) و مصوّت بلند «ی» (۶ بار) / تکرار: لب

۱۹۸- **گزیده ۴** تشبیه: ۱- چشم من چو لعل شیرین، همه آب است (پر از اشک است)، ۲- بخت من چو چشم خسرو خواب است. / استعاره: «لعل» استعاره از «لب» شیرین / مراعات نظیر (تناسب): «شیرین، خسرو» / کنایه: ۱- «پرآب بودن چشم» کنایه از «اشکبار بودن چشم» ۲- «خواب بودن بخت» کنایه از «بدبخت و بیچاره بودن» / موازنه: کلمات دو مصراع، دوبه‌دو با هم سجع متوازن و متوازی دارد (چشمی، بختی: سجع متوازن / لعل، چشم: سجع متوازن / شیرین، خسرو: سجع متوازن / آب، خواب: سجع متوازی) / تلمیح: اشاره به «ماجرای عاشقانه خسرو و شیرین»

بررسی سایر کتب هلا

۱ تشبیه: ۱- من چو مرغ بنالم، ۲- تو همچو سرو بیالی (رشد کنی)، ۳- من جو ابر بگیرم، ۴- تو همچو فنج بهخندی. / استعاره: نسبت دادن «تالییدن به مرغ» و «گریستن به ابر» و «خندیدن به فنج»، همگی استعاره با ذکر مشبّه و «تشخیص» است. / مراعات نظیر (تناسب): «بنالم، بگیرم»، «سرو، فنج» / کنایه: موازنه: کلمات دو مصراع، دوبه‌دو با هم سجع متوازن دارد (مرغ، ابر: سجع متوازن / بنالم، بگیرم: سجع متوازن / سرو، فنج: سجع متوازن / بیالی، بخندی: سجع متوازن) / تلمیح: -

۲ تشبیه: [من] چون قیس بنی‌عامر، مجنون رخ لیلی‌ام، ۲- [من] چون خسرو پرویز، فرهاد لب شیرین هستم. / استعاره: - / مراعات نظیر (تناسب): «مجنون، لیلی، قیس بنی‌عامر»، «فرهاد، شیرین، خسرو پرویز»، «رخ، لب» / کنایه: ۱- «مجنون کسی بودن» کنایه از «عاشق و دلباخته کسی بودن» ۲- «فرهاد کسی بودن» کنایه از «عاشق و دلباخته کسی بودن» / موازنه: - / تلمیح: ۱- اشاره به «ماجرای عاشقانه لیلی و مجنون» ۲- اشاره به «ماجرای عاشقانه خسرو و شیرین».

۳ تشبیه (تشبیه بلیغ اضافی): لب اعل (مشبّه لب) / مشبّه (لعل) / استعاره: نسبت دادن تطاول به زلف، استعاره با ذکر مشبّه و «تشخیص» است. / مراعات نظیر (تناسب): «لب، سر، زلف» / کنایه: موازنه: کلمات دو

مصراع، دوبه‌دو با هم سجع متوازن و متوازی دارد (لطایفه تطاول: سجع متوازن / لب، سر: سجع متوازن / زلفه لعل: سجع متوازن / گفتم، دیدم: سجع متوازی / گفتم، دیدم: سجع متوازن) / تلمیح: -

۱۹۹- **گزیده ۲** استعاره: «عقیق» استعاره از «لب سرخ‌رنگ معشوق» (استعاره با ذکر مشبّه) / جناس ناقص اختلاقی: جا، پار تشبیه: هر سوخته‌جانی که عقیق (لب) تو را مکیده، اگر چون «خضر» به هر جا یا نهد، آن جا سبز می‌شود. (تشبیه «سوخته‌جان» به «خضر») / تلمیح: اشاره به «ماجرای حضرت خضر» که به هر جا قدم می‌نهاد آن جا سرسبز و باطراوت می‌شد. / کنایه: ۱- «سوخته‌جان» کنایه از «عاشق دردمند» ۲- «پانهان به جایی» کنایه از «وارد شدن به جایی، رفتن به جایی» / مراعات نظیر (تناسب): «خضر، سبز»

بررسی سایر کتب هلا

۱ استعاره: ۱- «بیر بودن جهان» استعاره با ذکر مشبّه و «تشخیص» است. ۲- «بی‌بنیاد بودن جهان» استعاره با ذکر مشبّه است. (جهان به بنایی تشبیه شده که بنیاد دارد) / جناس ناقص: «فرهاد، فریاد»، «جهان، جان» / تشبیه: - / تلمیح: اشاره به ماجرای «ناکام ماندن فرهاد در عشق به شیرین» / کنایه: «بی‌بنیاد بودن جهان» کنایه از «ناپایداری و بی‌ثباتی جهان» / مراعات نظیر (تناسب): «فرهاد، شیرین»، «افسون، نیرنگ»

۲ استعاره: ۱- «غیبتما بودن دل»، استعاره با ذکر مشبّه است. (دل به وسیله‌ای تشبیه شده که اسرار قیب را نشان می‌دهد). ۲- «غم‌ناداشتن دل» استعاره با ذکر مشبّه و «تشخیص» است. / جناس ناقص: «جام، جم»، «جم، دم، فم» / تشبیه: - / تلمیح: ۱-

مصراع اول اشاره دارد به «جام جهان‌نمای جمشید» ۲- مصراع دوم اشاره دارد به «ریوده شدن انگشتری فرمانروایی حضرت سلیمان» به دست دیو» / کنایه: - / مراعات نظیر (تناسب): «جام جم، غیبتما»

۳ استعاره: - / جناس: - / تشبیه: - / تلمیح: اشاره به «ماجرای حضرت یوسف» و این که برادران کینه‌توزش به دروغ به پدرشان یعقوب گفتند که گرگ یوسف را دریده و ... / کنایه: «به گرد چیزی گشتن» کنایه از «در پی رسیدن به چیزی بودن، تلاش برای رسیدن به چیزی» / مراعات نظیر (تناسب): «گرگ، گوسفند»

۲۰۰- **گزیده ۲** کنایه: - / مجاز: -

بررسی سایر کتب هلا

۱ تشبیه (تشبیه بلیغ اضافی): ۱- باران زاله (مشبّه: زاله (شبنم) / مشبّه: باران) [زاله یا شبنم از نظر فراوان بودن و یا درخشندگی و شفافیت، به قطره‌های باران تشبیه شده]. ۲- یاقوت لاله (مشبّه: لاله / مشبّه: یاقوت) [گل لاله از نظر سرخی، به یاقوت تشبیه شده]. / مراعات نظیر: «گهر، یاقوت»، «چمن، لاله»

۲ استعاره: ۱- «گهر» استعاره از «قطرات زاله یا شبنم» ۲- «کواکب» استعاره از «گل‌های درخشان لاله» / واج آرایی: تکرار صامت «ر» (۴ بار) و مصوّت بلند «ه» (۶ بار)

۳ جناس ناقص اختلاقی: زاله، لاله / تکرار: پر ۲۰۱- **گزیده ۴** تکرار: می‌فرستم، کجا، به / تضمین: - / مراعات نظیر (تناسب): «هدهد، صبا» / استعاره (مجاز به علاقه مشابّهت): «صبا» استعاره از «سرزمین معشوق»

بررسی سایر آرایه‌های بیت:

واج آرایی: تکرار صامت‌های «ب» (۵ بار) و «ت» (۴ بار) / جناس ناقص اختلاقی: صبا، صبا / تلمیح: اشاره به «ماجرای حضرت سلیمان» با ملکه شهر صبا و این که پیک و قاصد میان آنان پرنده‌ای به نام هدهد بود. / تشبیه (تشبیه بلیغ اضافی): هدهد صبا (مشبّه: صبا / مشبّه: هدهد)



۲۰۷- **گزینۀ ۳:** بیت «الف» واج آرایی: تکرار صامت‌های «ش» (۵ بار)، «س» (۵ بار)، «ر» (۵ بار) و مصوّت بلند «ی» (۶ بار) / بیت «ب» مراعات‌نظیر (تناسب): «ناقه، اشتر» / بیت «پ» جناس تام: دروغ (اؤل)، مضایقه و کوتاهی: دروغ (دوم)، افسوس، دریغ / بیت «ت» تشبیه (تشبیه بلیغ اضافی): ابر دست (مشبّه: دست / مشبّه‌به: ابر) / بیت «ث» / تلمیح: اشاره به «اؤل ما خلق اللّٰهُ العقل: اؤلین چیزی که خداوند خلق کرد عقل بود» / بیت «ج» موازنه: کلمات دو مصراع، دوبه‌دو با هم سجع «متوازن» و یا «متوازی» دارد. (لطف، شرف: سجع متوازی) / لفظ، ذات: سجع متوازن / زاید: خزید: سجع متوازی / ذر، زر: سجع متوازی / صدف، تراب: سجع متوازن

۲۰۸- **گزینۀ ۴:** بیت «الف» کنایه: «طی شدن» (درنور دیده شدن) نامه هجر» کنایه از «به پایان رسیدن فراق و دوری» / بیت «ب» / تلمیح: اشاره به آیه ﴿إِذْ هَبْنَا إِبْرَاهِيمَ إِذْ يَبْكُ وَأَنَّهُ كَانَ مِنَ السُّعْتِ﴾ / موسی و هارون: «به نزد فرعون بروید» به راستی که او سرکشی و نافرمانی کرده و با او به نرمی سخن بگویید... / بیت «پ» / تضمین: تضمین بخشی از آیه قرآن در مصراع دوم / بیت «ت» / جناس ناقص: «تو، چو» / «در، سر» / بیت «ث» / مجاز: «نگین» / مجاز از «انگشتری» / بیت «ج» استعاره: «سستی بودن آسمان» استعاره با ذکر مشبّه است.

اشاره...

در بیت «الف» بین واژه‌های «هجر» و «الفجر»، جناس ناقص اختلافی برقرار نیست؛ زیرا علاوه بر اختلاف در حرف اؤل، یکی از واژه‌ها یعنی «الفجر» حروف «ال» را نیز نسبت به واژه «هجر» اضافه دارد؛ در حالی که می‌دانیم در جناس ناقص اختلافی، اختلاف واژه‌ها فقط در یک حرف است.

۲۰۹- **گزینۀ ۳:** بیت «ب» / تلمیح: اشاره به آیه ﴿لَا تَمْسُ فِي الْأَرْضِ فَرْحًا﴾: «و بر روی زمین با فرور و تکثر راه مرو» / مجاز: «خاک» مجاز از «زمین» / بیت «پ» / استعاره: ۱- نسبت‌دادن عمل «مهلت‌دادن» به سپهر، استعاره با ذکر مشبّه و «تشخیص» است. ۲- «زال» استعاره از «سپهر» / جناس تام: که (اؤل و سوم) حرف ربط: که (دوم) / چه کسی (ضمیر پرسشی) / بیت «ث» / تشخیص: نسبت‌دادن «دست خواهش گشودن» به «صدف» استعاره با ذکر مشبّه و «تشخیص» است. / واج آرایی: تکرار صامت‌های «ش» (۳ بار) و «ل» (۴ بار) / بیت «ج» / جناس تام: دوش (اؤل): دیشب؛ دوش (دوم): کتفه، شانۀ / تشبیه (تشبیه بلیغ اضافی): سیلاب هم (مشبّه: هم / مشبّه‌به: سیلاب)

بررسی سایر بیت‌ها: بیت «الف» / تضمین: تضمین بخشی از آیه ﴿وَإِن يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُزْلِقُونَكَ لَهَا شِعْمًا﴾: در مصراع دوم / کنایه: «ر» بیت «ت» / موازنه: - [همه کلمات دو مصراع، دوبه‌دو سجع متوازن ندارند] / مراعات‌نظیر (تناسب): «شمع، پروانه» / «شمع، نور»

۲۱۰- **گزینۀ ۲:** بیت «الف» جناس تام: - «طیران» در هر دو مصراع، به یک معنا (پرواز) است. / اضافه استعاری: طیران آدمیت (آدمیت به پرنده تشبیه شده که پرواز و طیران دارد) / بیت «پ» / واج آرایی: تکرار صامت‌های «ت» (۵ بار) و «ز» (۴ بار) / ترصیع: - [بیت «موازنه» دارد؛ زیرا واژه‌های «راه» و «جهد» با هم «سجع متوازی» ندارند. در «ترصیع» / تمامی واژه‌های دو مصراع، دوبه‌دو دارای «سجع متوازی» اند]

بررسی سایر بیت‌ها: بیت «ب» / استعاره: «عمارت کردن دل» استعاره با ذکر مشبّه (دل به بنایی تشبیه شده که عمارت می‌شود) / مجاز: «آب و گل» / مجاز از «جسم» (بنای آب و گل = بنای جسم) / تشبیه بلیغ اضافی / بیت «ت» / تلمیح: اشاره به حدیث «لَا يَدْرُكُهُ بَعْدَ الْهَمِّمْ وَ لَا يَنَالُهُ هَوًى الْفِطْنِ»

۲۰۲- **گزینۀ ۳:** کنایه: «جهان را زیر نگین داشتن» کنایه از «تسلط و فرمانروایی داشتن بر جهان» / تلمیح: اشاره به «ماجرای فرمانروایی و شکوه سلطنت حضرت سلیمان» / مراعات‌نظیر: «ملک سلیمان، خاتم، نگین» / «خاتم، لعل، نگین» / جناس ناقص اختلافی: دهان، جهان بررسی سایر آرایه‌های بیت: واج آرایی: تکرار صامت‌های «ش» (۴ بار)، «ن» (۸ بار) و «ل» (۴ بار) / تشبیه (تشبیه بلیغ استنادی): دهان تنگ معشوق، فلک سلیمان است. / استعاره با ذکر مشبّه (مجاز به علاقه مشابّهت): «لعل» استعاره از «لب سرخ معشوق»

۲۰۳- **گزینۀ ۳:** جناس تام: داد (اؤل): عدل و انصاف: داد (دوم): فعل از مصدر «دادن» / استعاره با ذکر مشبّه: - [نسبت‌دادن عمل «تطاول کردن» (تعدی و تجاوز) به گیسو، استعاره با ذکر مشبّه و «تشخیص» است]

بررسی سایر بیت‌ها:

۱ / تشخیص: نسبت‌دادن «خمیازه» به کمان، استعاره با ذکر مشبّه و «تشخیص» است. / مراعات‌نظیر (تناسب): «کمان، صید»
۲ / تلمیح: اشاره به آیه ﴿تَبَرُّؤُا مِّنْ تَشَاءٍ وَ تَذَلُّؤُا مِّنْ تَشَاءٍ﴾: «هر کس را بخواهی عزت می‌بخشی و هر که را بخواهی خوار و ذلیل می‌سازی» / جناس ناقص: «سر، بر» / «بخت، تخت»
۳ / تشبیه (تشبیه بلیغ اضافی): شاهد حُسن (مشبّه: حُسن / مشبّه‌به: شاهد (زیبارو) / اشتقاق: دیدار، دیده

۲۰۴- **گزینۀ ۳:** تضمین: - مراعات‌نظیر (تناسب): «پیام، خبر، سخن» [بیت از «سعدی» است و در آن هیچ تضمینی به کار نرفته است.]

بررسی سایر بیت‌ها:

۱ / واج آرایی: تکرار صامت‌های «ز» (۶ بار)، «د» (۷ بار)، «ن» (۸ بار) و مصوّت بلند «ا» (۷ بار) / تلمیح: اشاره به آیه ﴿وَ مَا زَمِيَتْ اَذْ زَمِيَتْ وَلَكِنَّ اللّٰهُ زَمِيٌّ﴾: «تو نبودی که تیر را انداختی؛ بلکه آن خدا بود که تیر انداخت» [بیان‌کننده این که فاعل حقیقی همه کارها خداست.]
۲ / کنایه: «کیاب بودن دل» کنایه از «دردمند بودن» / مجاز: «خون» مجاز از «کشتن»

۳ / موازنه: کلمات دو مصراع، دوبه‌دو با هم سجع متوازن و یا «سجع متوازی» دارد. (سینه، دیده: سجع متوازی / فمزه، دلشده: سجع متوازی / پنهن، پیدا: سجع متوازن / بین، دان: سجع متوازن) / تکرار: در، هر، همه، او

۲۰۵- **گزینۀ ۴:** مجاز: «حرف» مجاز از «سخن، گفتار» / تلمیح: اشاره به «ماجرای دست‌یافتن حضرت خضر» به آب حیات (آب بقا) و جاودانه شدن عمر آن حضرت با نوشیدن از آن آب

بررسی سایر بیت‌ها:

۱ / اضافه استعاری: - اشتقاق: نیازمند، نیاز [«رخ نیاز» اضافه استعاری نیست. «رخ نیاز بر آستان داشتن» یعنی «رخ را به نشانه نیاز (اظهار نیاز و حاجت) بر خاک آستان داشتن و...]

۲ / تشبیه فشرده (تشبیه بلیغ اضافی): ۱- قد سرو (مشبّه: قدر مشبّه‌به: سرو) ۲- قیای ناز (مشبّه: ناز / مشبّه‌به: قیای) / کنایه: -

۳ / استعاره: گذران بودن جهان، استعاره با ذکر مشبّه است. / تضمین: -

۲۰۶- **گزینۀ ۲:** بیت «الف» مراعات‌نظیر (تناسب): «سودا، معامله، زیان، سود» / بیت «ب» / اشتقاق: آزادگی، آزاده / بیت «پ» / استعاره: «خمستان» استعاره از «عالم عشق، عالم معنا» / بیت «ت» / جناس ناقص: ما، پار بیت «ث» / تلمیح: اشاره به حدیث قدسی «حَقَرْتُ طِينَةَ اَدَمَ بِيَدِي اَرَبِعِينَ صَبَاحًا: گل وجود آدم را چهل شبانه‌روز به دست خود سرشتم»



دوری اندیشه‌ها او را درک نمی‌کند و عمق فکرها او را در نمی‌یابد. /
 مراعات نظیر (تناسب): «خیال، قیاس، گمان، وهم» / بیت «ش» تشبیه
 (تشبیه بلیغ اضافی): «دانه مردن (مشبه: مردن / مشبهه: دانه) / تضمین:
 تضمین بخشی از آیه ﴿لَا تَحْسِبُوا الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ هُمْ
 أحياءٌ عند ربهم يُرزقون﴾. «کسانی را که در راه خدا کشته می‌شوند مرده
 مپندارید، بلکه آنان زنده‌اند و در نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.» /
 بیت «ج» کنایه: «سر از خاک لحد برداشتن» کنایه از «زنده شدن،
 برانگیخته شدن» / جناس ناقص: «روی، سوی» «روز، روی»